



sattari.ir

دی ماه ۱۳۹۷

ویژه نامه بیست و چهارمین سالگرد شهادت
سرلشکر منصور ستاری

منصور

بیان ابعاد نادیده شهید ستاری بعد از سال ها

«منصور» در حضور



گفتگوی تفصیلی با رییس بنیاد شهید
و امور ایثارگران

یادداشت اختصاصی از وزیر دفاع

و پشتیبانی نیروهای مسلح

و خاطرات و ناگفته‌هایی از هم‌زمان

و دوستان شهید



امیر سر تیپ امیر حاتمی
وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

«ستاری» مصداق توانستن بود

آن صاعقه ۱ و ۲ را ساختیم. امروز این جنگنده‌ها در نیروی هوایی مشغول به کار هستند. جنگنده کوثر امروزی در واقع به نوعی نسل چهارم آن پیشینه است و در همه ابعاد، ساخته شد و امروز بحمدالله شاهد یک هوایمی بومی تمام عیار هستیم. تلاش شهید سرلشگر منصور ستاری فرمانده فقیه نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک پیام بزرگ برای نسل‌های بعدی داشت و آن، چیزی نبود جز این که با اراده و ایمان، می‌توان مرزهای محدودیت را درنوردید و به قله توانستن تکیه زد. ان‌شاءالله ایشان و همراهان و رهروانشان در کنار سیدالشهداء (ع) از شهید گوارای «کوثر» منتعم شوند.

ساخت و تولید جنگنده

کوثر که به مدد فداکاری‌ها

و نوآوری جوانان خلاق

این کشور به بار نشست،

مصداق و تجلی بارزی

بود از مجاهدت و تلاش

بی شائبه چند نسل از

قهرمانان نظامی و مهندسی

این مرز زرپرور و امروز

ثمره شیرین این نهال

به بار نشست در کام ایران

سرفراز چشیده شده است

عنوان هدیه به محضر مبارک فرمانده معظم کل قوا، ملت شریف ایران اسلامی و نیروهای مسلح تقدیم کرده است. اما تولید و ساخت این جنگنده، مدیون و مرهون زحمات و تلاش‌های قهرمانانی چون شهید منصور ستاری است که در اوج محدودیت‌ها و سختی‌ها، توانستن را با رگ و ریشه و استخوان باور داشتند.

ما در طول دفاع مقدس توانستیم علیرغم تمام محدودیت‌ها جنگنده‌هایمان را به پرواز درآوریم، تعمیر و نگهداری کنیم و این دوام و استمرار، شد زمینه‌ای برای این که شهید ستاری، با ایده‌ای جسورانه نهال ساختن و توانستن را در دل نیروی هوایی بارور سازند. شهید ستاری در طول دوران دفاع مقدس، با شناختی آگانه از محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها، نه تنها تفکر داشتن یک جنگنده بومی برای کشورمان بلکه ایستادگی در تمامی زمینه‌های دفاعی را در سر می‌پروراندند. پس از پایان جنگ از اندیشه‌هایشان گفتند و اعلام کردند ما می‌توانیم جنگنده بسازیم. ایشان با تجربه‌ها و دانش بالایی که داشت، مقداری روی جنگنده سیم‌رغ کار کردند. با توانایی که وجود داشت، کار ساخت آذرخش را کلید زدند؛ و آذرخش ساخته شد. هوایمی که در آن روزها عمدتاً شامل بال و بدنه و سازه هوایمی بود. این تجربه ارزنده کسب به صنایع دفاع منتقل شد. تجربه ارزنده کسب شده راهی را باز کرد تا بر اساس

راه، باز می‌شود اگر عزمی برای حرکت وجود داشته باشد. آرامش، اگر تلاشی برای اقتدار وجود داشته باشد. خودکفایی و ساختن، شدنی است اگر در جست‌وجوی توانستن رعب و هراسی در کار نباشد و توانستن را نخست، باور کنیم.

ساختن جنگنده تولید داخل شاید برای آن‌ها که دل در کلام و خواست بیگانه‌ها دارند در نگاه اول امری بود ناشدنی، به مانند آن‌ها که انقلابی عظیم و تاریخ‌ساز ایران اسلامی را دور از ذهن می‌دیدند، توانمندی ایرانی در بارور کردن نهال خودکفایی و تولید دور از ذهن‌های کوتاه‌بین شان باشد.

ساخت و تولید جنگنده کوثر که به مدد فداکاری‌ها و نوآوری جوانان خلاق این کشور به بار نشست، مصداق و تجلی بارزی بود از مجاهدت و تلاش بی شائبه چند نسل از قهرمانان نظامی و مهندسی این مرز زرپرور و امروز ثمره شیرین این نهال به بار نشسته در کام ایران سرفراز چشیده شده است.

ساخت و تولید جت جنگنده تمام ایرانی کوثر با همکاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، اوج هنرنمایی فرزندان رشید ملت ایران در صنعت دفاعی است که با وجود تحریم‌های دشمنان، ضمن رفع یکی از حیاتی‌ترین نیازهای هوایی کشور، دستاورد راهبردی جدیدی را در حوزه رزم هوایی به



نگاه به اندیشه خودکفای شهید ستاری؛

نصر «منصور» بر محدودیت

شهید منصور ستاری از ابتدا دریافته بود کسی جز کشور و مردمانش، همراه و یاور سختی‌ها نیستند، بر همین اساس بود که توانست در دوران پر تلاطم و سختی‌های محدودیت و جنگ، راه نیروی هوایی و دفاع از پهنه هوایی کشور را با خلاقیت و نوآوری‌های منحصر به فردش مدیریت کند. روزهای منتهی به پایان جنگ روزهای آسانی برای نیروی هوایی نبود. او اما این موضوع را از همان روزهای آغاز حمله و حتی پیش از آن می‌دانست. از روزهایی که فاصله بسیار زیاد بین خانه و مدرسه را در زمستان‌های سرد پیاده می‌پیمود، می‌دانست راه مقابل ساده و هموار نیست و باید مسیری طولانی را طی کند. مسیری طولانی تا منصور، یکه و منحصر به فرد در تاریخ بماند.

درست از روزهایی که سال ۱۳۵۰ برای گذراندن یک دوره تخصصی کنترل رادار به کشور آمریکا اعزام شد یک خلأ بزرگ را درک کرد. این که تا چه اندازه کشور و امکانات نظامی‌اش وابسته به خارجی‌ها است. شکوه و صلابتی که در پس تمام توانمندی‌های نظامی بود به یک تار موی تولیدکنندگان اش بسته بود و اگر چه پول‌های هنگفتی را از سرمایه کشور بابت خرید این تجهیزات گرفته بودند، اما در ارائه دادن راه و روش بهینه‌سازی، تولید و حتی تعمیر خساست می‌ورزیدند. این موضوع را وقتی که خودش و یکی از دوستانش برای بازدید از یک بخش راداری در جایی که آموزش می‌دیدند رفتند و با ممانعت آمریکایی‌ها مواجه شدند بیش تر فهمید.

منصور پس از گذراندن دوره یکساله، در سال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت و به عنوان افسر کنترل شکاری نیروی هوایی مشغول به کار شد.

محدودیت‌هایی که آمریکایی‌ها با حضور مستشاری‌شان در آمریکا ایجاد کرده بودند محدود به بازدید از چند سایت آمریکایی نمی‌شد. از بسته‌بندی قطعه‌ها تا باز کردن آن و جایگزینی یک قطعه، در حیطه کار مستشاران بود و ایرانی‌ها صرفاً شاهد این فرآیند بودند. تجربه یا آموزشی برای ساخت و تعمیر اساسی وجود نداشت و منصور که از نزدیک با این روش و منش آشنا بود، خودش را برای روزهای دشوار آماده می‌کرد.

در سال ۱۳۶۲ به سمت معاون عملیات فرماندهی پدافند نیروی هوایی منصوب شد. مجله نیروی هوایی، مجالی بود تا تجربه‌ها و دانشش را منتشر کرد. متواضعانه و بدون چشم‌داشت سعی می‌کرد بدون آن که نامش بخواد توجه را منحرف کند، با اسامی مستعار مقاله‌هایی را در مجله نیروی هوایی و دیگر مجلات آن زمان منتشر می‌کرد. تلاش می‌کرد تا راه را از همین ابتدا هموار کند و سرآغازی باشد بر مسیر خودکفایی.

روزهای آغازین دفاع مقدس، زمینه‌های فراهم کرد تا دغدغه و دل‌مشغولی همیشگی‌اش برای این نیاز را پیگیری کند. طرح‌ها و برنامه‌هایی که ارائه می‌داد موجب شد تا راهش به معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی هدایت شود

و به عنوان معاون طرح و برنامه نیرو طرح‌هایش را دنبال کند. ستاری به خوبی می‌دانست با توجه به حمایت‌های آمریکا از دشمن یعنی که از انقلاب اسلامی زخم‌خورده بود و محدودیت‌هایی که به واسطه تحریم فراهم کرده بود، باید کشور کمر همت ببندد و نیازهایش را به مدد توانمندی خودش رفع و رجوع کند.

این نگاه را در تمام دوران حضورش در نیروی هوایی به همراه داشت و زماین که در سال ۱۳۶۵ به عنوان فرمانده نیرو انتخاب شد، با عزم جدی و مستحکم‌تر از گذشته، این راه را ادامه داد.

پذیرش واقعیت

«ما باید این واقعیت را بپذیریم که در یک مرحله ای قرار گرفته ایم که دیگر آمریکایی و انگلیسی نمی‌آید برای ما کار کند پس به امید چه کسی نشسته ایم؟ ما خود باید با تلاش پیگیر، کارهای خود را انجام دهیم و نتیجه کارهایمان را هم به آیندگانی که بعد از ما می‌آیند منعکس کنیم تا راه را اشتباه نروند.» فرمانده نیروی هوایی با همین نگاه، ضرورت موقعیت‌شناسی و تلاش برای عبود از محدودیت‌ها را ترویج و فرهنگ‌سازی کرد. خودش هم در رأس کارها حاضر بود. هر جا که می‌رسید از خودکفایی، ایستادگی کشور روی پای خود و تلاش برای توانستن سخن می‌گفت. در این قلموس، نتوانستن و غیر ممکن معنا نداشت.

ابداع طرح‌های پدافندی منحصر به فرد ظهور طرح‌های نوآورانه و خلاقانه

شدت گرفتن تحریم‌های ظالمانه، فرصتی ایجاد کرد تا نیروی هوایی ارتش بعنوان پیشگام ایجاد بستری تخصصی برای مفهوم خودکفایی شود. جهاد خودکفایی، تولید و بازسازی تجهیزات حیاتی مثل قطعات هواپیما دست‌به‌کار شد. این تشکیلات اگر چه برای ایده‌های خلاقانه و بلندپروازانه ستاری نوپا بود و کوچک، اما فرصتی ایجاد کرد تا ایده‌های او در حوزه‌هایی چون تولید هواپیما، تعمیرات اساسی، ساخت قطعه‌ها پیگیری شود.

یکی از کارهای مهمی که شهید منصور ستاری در طول دوران دفاع مقدس و پس از آن به جد پیگیری کرد، تلاش برای ساخت قطعات بحرانی و پر مصرف هواپیما و تجهیزات نیروی هوایی در کارخانجات داخلی بود. او ارتباط مناسب با صنایع و مراکز دانشگاهی را ضرورتی برای این موضوع می‌دانست.

راه اندازی و اورهال (تعمیرات سنگین) جنگنده‌های آسیب دیده در طی جنگ تحمیلی از جمله جنگنده‌های غربی F-۴، F-۵، F-۱۴ با امکانات موجود در نیروی هوایی یکی دیگر از همین کارها بود. کاری که در قالب پروژه اوج آغاز شده بود و با فرماندهی ستاری، جانی تازه گرفت. ساخت نسخه‌های اولیه آذرخش، صاعقه، هواپیماهای آموزشی پرستو و تذرو همه حاصل تلاش‌های ستاری و همراهانش و تأکیدی بود که او بر داخلی سازی داشت.

تعمیر و راه اندازی سایت‌های پدافندی از جمله هاگ

که تماماً در قبضه خارجی‌ها بود، یکی از کارهای مهم شهید ستاری در خودکفا کردن به حساب می‌آید. بازسازی و نوسازی انواع جنگنده‌های شکاری، تغییر آرایش فنی و نظامی از جمله نصب موشک زمین به هوای هاگ بر روی تامکت به عنوان سلاحی هواپایه یا موشک پدافند دریاپایه استاندارد بر روی فانتوم از مهم‌ترین این ایده‌های خلاقانه بود.

ستاری، پا را از خودکفایی در ساخت جنگنده هم فراتر گذاشت. او در فکر بومی کردن همه چیز بود. همان گونه که روزهای پیش از جنگ و در کوران جنگ، جلودر را می‌دید، می‌دانست اقتصاد و آینده کشور در گروی عدم اتکالی به بیگانه و توانمندی داخلی است. او اندیشه ساخت یک خودرو را در سر می‌پروراند. ایده‌ای که شاید در نگاه بسیاری عجیب و دور از واقعیت می‌رسید.

آغاز راه

فرمانده شهید نیروی هوایی در سال‌های خدمت‌رسانی



اش همواره یک آرزو را در سر می‌پروراند خودکفایی. اما موبک رسیدن به خودکفایی را خودباوری می‌دانست. سال‌های پر تلاطم جنگ را دیده بود و می‌دانست کسی برای کمک به این کشور نمی‌آید جز خودش و مردمانش. برای همین بود که همواره بر خودباوری و نداشتن امید واهی تأکید داشت. جایی گفته بود: «شما باید ثابت کنید که در این مملکت چه کار داید و در عین حال از این نکته هم نباید غافل باشید که: اگر باز هم جنگی پیش بیاید، دنیا به ما چیزی نخواهد داد. کسی ما را پشتیبانی نخواهد کرد. بنابراین باید به فکر برنامه ریزی‌های اساسی خود باشیم و از درون خود را بسازیم، برای اینکه اگر بنشینیم به این امید که دیگران به ما کمک خواهند کرد، این یک خیال راهی بیش نیست و با چنین تفکری هیچ کاری از پیش نخواهیم برد.»

امروز گفته‌ها و نگاه ستاری بیش از هر برهه دیگری برجسته و اثبات شده است. و دشمنان بدباطن همان نیت را دارند و به دنبال پا گذاردن بر رگ حیات این کشور هستند، در دوره‌ای که محدودیت‌ها و تحریم‌ها رنگ عوض کرده‌اند تأکیدات و گفته‌های شهید ستاری بیش از پیش اهمیت خود را یافته است.



کاری را تلفنی و پس از طی سلسله مراتب پیگیری نمی کردند بلکه خودشان در محل انجام کار حاضر می شدند. زمانی که شهید ستاری برای بازدید به مکانی می رفتند، در بدو ورود از ماشین خود پیاده می شدند و تمام قسمت‌ها را پیاده می رفتند و پس از بازدید از آخرین قسمت، سوار ماشین می شدند. خلاقیت‌ها و دانشش که موجب افزایش خودباوری در نیروی هوایی شد از ماندگارترین میراث‌های ایشان در این نیرو است. همان طور که گفتیم اعتقاد داشت همه کار می توانیم انجام بدهیم. خیلی به توان داخلی اهمیت می داد. از اینکه می دید برخی‌ها در مقابل طرح‌ها نگران هستند و معتقدند که نمی شود انجام داد، ناراحت می شد.

***فرمانده نیروی هوایی چه گام‌هایی در نیروی هوایی برداشت که از او فرماندهای منحصر به فرد ساخته بود؟**

یکی از اقدامات مهم و موثر شهید ستاری بازنگری و بررسی انبارها و وسایل جنگی بود. با همین کارش توانست قطعاتی را که بلا استفاده بودند به کار گیرد. همچنین هواپیماهایی که به دلیل نقص و نبود قطعات مورد نیاز دچار مشکل شده بودند با استفاده از همین قطعات، دوباره مورد استفاده قرار گرفتند. با بیان اینکه ستاری در همه ابعاد فردی مناسب و نمونه بود، اظهار کرد: او به حدی در کارهای خود غرق شده بود که دیگر هیچ چیز در دنیا برایش مهم نبود و با هدف پیروزی و غلبه بر

می توانم بگویم که شهید ستاری به خوبی توانسته بود باور به ما می توانیم را در مجموعه نیروی هوایی محقق کند. ایشان تنها فرمانده ای بود که در زمان انتصابش به فرماندهی نیروی هوایی، خلبان نبود، درک بهتری از توانمندی‌هایش به دست می آوریم. چون طبق ضابطه فرمانده نیروی هوایی باید خلبان باشد. شهید ستاری جزو معدود فرمانده‌های نیروی هوایی ارتش بود که توانست در دوران خدمت خود گام‌های اثرگذاری را برای پیشرفت و توانمندی بردارد. می توانم بگویم مدیریت صحیح و دقیق از ویژگی‌های بارز شهید ستاری بود. باید مدیران امروز می توانند ویژگی‌های فردی چون شهید ستاری را به عنوان الگوی مناسبی سرلوحه قرار دهند.

***مهم‌ترین و بارزترین خصیصه فردی شهید ستاری، فارغ از فرماندهی چه بود؟**

از همان آغازی که او را شناختم دوست‌داشتنی و جذاب بود. من شناختم از او گرچه به مرور بیشتر شد اما آن گونه نبود که او را از اول بشناسم، بلکه خیلی صاف‌وصادق بود. یعنی هر کس با او برخورد می کرد احساس نمی کرد که با یک نظامی مواجه است. برعکس بود، یعنی تصور می کرد که با یک بچه مؤمن متخصص روبه‌روست. در همان نگاه اول خودش را نشان می داد و پیچیدگی منفی نداشت. شهید ستاری، چه قبل و بعد از فرماندهی، فردی مومن و

دوران دفاع مقدس، دوران از خودگذشتگی بود. فرقی نداشت کجای ماجرا بوده باشی، قطعاً از روزهای تلخ و شیرین بسیاری در ذهنت رسوب کرده است. موضوع گفت‌وگو درباره شهید منصور ستاری که مطرح می شود، تبسمی بر لبانش می نشیند و با اشتیاق، استقبال می کند. حجت‌الاسلام محمدعلی شهیدی محلاتی رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران که در روزهای پر فراز و نشیب جنگ در نیروی هوایی ارتش مسئولیت‌های حساس از جمله ریاست عقیدتی و سیاسی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی را عهده دار بود، شاهد مجاهدت‌ها و تلاش‌های این فرمانده آسمانی بود؛ به واسطه همین همراهی، از آن روزها گفتنی‌های بسیار دارد. گفتنی‌هایی که بخش کوچکی از آن درباره شهید ستاری و تلاش‌هایش را در این گفت‌وگو می خوانیم:

*** اگر بخواهید تصویری روشن از شهید منصور ستاری ارائه دهید، چه ویژگی‌هایی را در این شهید والا مقام بیان می کنید؟**

نخستین آشنایی نزدیک ما به سال ۱۳۶۴ برمی گردد. مهروموم‌هایی که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی به خاطر مسائلی مثل تحریم، نبود قطعات حساس و دارای فناوری بالا، احداث هوایی عراق، خروج برخی از نیروهای متخصص و... تا حدی توان خود را از دست داده و بسیاری از

گفت‌وگو با رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران: شهید «ستاری» مرد میدان بود

دشمن تمام توان خود را به کار گرفته بود. تأسیس دانشگاه «علوم و فنون هوایی» از جمله خدمات ارزنده شهید ستاری است که بعد از شهادت ایشان به دانشگاه شهید ستاری نام گذاری شد. زمانی که او نیروی هوایی را تحویل گفت ما وضعیت خوبی نداشتیم، بسیاری از هواپیماها آسیب دیده بودند و بسیاری از تجهیزات هم به خاطر نبود قطعه‌های حساس زمین گیر بودند. در زمان فرماندهی نیروی هوایی هم به این روند ادامه داد و توانست با دانش و پشتکار خود تحولات خوبی در این بخش ایجاد کند. معتقد بود که در سختی و رنج بزرگ شدن، برای سیستم مدیریتی کشور بسیار مفید است. با اینکه خودش خیلی فرد عملیاتی بود و تلاش می کرد هر طراحی را با فوریت به سرانجام برساند اما در مرحله تصمیم گیری خیلی اهل مشورت و اعتماد بود. معمولاً مسائل را از قبل در شورای معاونین مطرح می کرد و سپس تصمیم می گرفت.

*** از والفجر برایمان بگویید؟ نقش شهید ستاری و همراهنانش در توفیق یافتن این عملیات چه بود؟**

در هر دوره از دفاع مقدس، به فراخور شرایط و وضعیت آن دوره، ابتکارات و روش‌های خاص نیاز بوده است. مثلاً در عملیات فتح‌المبین نیاز به استفاده از تاکتیکی خاص برای

متدین بود. به گونه‌ای عمل کرد که توانست تمام تمام بدنه ارتش از پایین‌ترین رده‌های نیرو، خلبانان و دیگر بخش‌ها را به خود جذب کند. در نیروی هوایی طبق رسم آن دوران برای تعیین فرمانده از خلبانان استفاده می شد اما تنها فردی که از گروه خلبانان نبود و در پنداف مشغول فعالیت بود و به عنوان فرمانده نیز انتخاب شد، شهید ستاری بود. چرا که او فردی توانمند و مدیری آگاه بود. ایشان نسبت به مسائل دفاع هوایی و نظایر آن دارای فهم بالایی بود. دائماً در حال مطالعه و بررسی دستاوردهای نوین و پیشرفته در این حوزه و صنعت‌های مرتبط با فعالیت‌های هوایی بود. خیلی از فرماندهان همتای خارجی‌اش زمانی که به ایران می آمدند یا در کشورشان میزبان ایشان بودند به نبوغ و اطلاعات وسیع ایشان از تجهیزات مدرن هوایی اذعان می کردند. من بارها شنیده بودم نقل قول‌هایی که دیگر همتایانشان درباره ایشان به کار برده بودند و این مایه مباهات و افتخار بود که چنین فردی در رأس نیروی هوایی ارتش قرار داشت.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته شهید ستاری، توانمندی خاص ایشان در سخنوری بود به نحوی که اگر دو ساعت صحبت می کردند از سرباز تا فرمانده احساس خستگی نمی کردند. حضور مستمر و پیگیری مداوم کارها از دیگر ویژگی این شهید بزرگوار بود. می شنیدم یا می دیدم که هیچ

تجهیزات آسیب دیده بود یا زمین گیر شده بود. عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش موجب شد که بعدها ارتباط کاری بیشتری پیدا کنیم. همین ارتباط باعث شد که به ابعاد بیشتری از وجود ایشان واقف شوم. می توانم بگویم که شهید ستاری شب و روز در تلاش و فعالیت بود. او می خواست که از همه فرصت‌های زندگی‌اش برای پیشرفت و رشد کشور بهره برد. تلاش، سخت‌کوشی و استعداد فوق‌العاده شهید ستاری کاملاً برجسته و شاخص بود. با توجه به این که در دوران دفاع مقدس و پس از آن توفیق حضور در نیروی هوایی حضور داشتیم توفیق همراهی با انتصابم به عنوان رییس عقیدتی و سیاسی نیروی هوایی از سال ۶۸، زمینه برای همکاری‌های بیش‌تر من با ایشان در دوره پس از دفاع مقدس فراهم شد. شهید ستاری همه زمان و توانمندی خود را برای قدرتمند ساختن و مجهز کردن نیروی هوایی صرف می کرد. او برای هدف چشم به بیرون ندوخته بود، بلکه از نبوغ و تجربه خود برای آموزش نیروهای انسانی و افزایش خلاقیت استفاده می کرد.

ایشان طرح‌های زیادی را در ارتش آغاز کرد و به نتیجه رساند. این طرح‌ها شجاعانه بود و در آغاز راه کسی تصور نمی کرد بشود این طرح‌ها را محقق ساخت. خیلی از طرح‌های نظام مانند ساخت هواپیما از همان دوران آغاز شد.



ستاری به دانش بالا و معلومات شهید ستاری پی برد گفت تردید دارم که شما یک نمونه از این سامانه موشکی را را در کشورتان داشته باشید.

یادم هست در یکی از سفرهای خارجی که به همراه هیئتی به روسیه رفته بودیم، مقرر شد با رئیس جمهوری این کشور ملاقاتی صورت گیرد. طبق تشریفات رئیس جمهوری روسیه فقط چهار نفر می توانستند در این ملاقات حضور داشته باشند که البته مسئله کاملاً طبیعی بود چون در عرف دیپلماسی ملاقات شونده تعداد هیئت ملاقات کننده را تعیین می کند. ایشان هم به جز خودش سه نفر را انتخاب کرد و به ملاقات رفت. با توجه به محدودیت نفرات، برخی از فرماندهان رده بالا نتوانستند در این ملاقات حاضر شوند. یکی از این فرماندهان به خاطر این اتفاق آزرده شد و از ناراحتی برای صرف شام به رستوران نیامد. یادم هست که شهید ستاری خودش رفت به دنبال این فرمانده و او را به رستوران آورد تا شام در کنار هم صرف شود. این رفتار شهید ستاری نشأت گرفته از فروتنی و تواضعش بود که خیلی بر جمع تأثیر خوبی گذاشت.

* شهید ستاری را چگونه فرماندهای دیدید؟

اخلاق و رفتار و منش شهید ستاری به گونه ای بود که حکم پدر برای بقیه داشت. همه احساس می کردند که ایشان مثل پدر همه هستند. همیشه او را بسیار خوش اخلاق، خوش برخورد و مهربان دیده بودم. با اینکه موهایشان هم یک مقداری سفید بود، ولی جوان بودند. نحوه ارتباط شهید ستاری با دیگران از سرباز و وظیفه گرفته تا مقامات بالا نمونه بود. مثلاً یکجایی می رفت دستش را روی گردن سرباز می انداخت و سرش را نوازش می کرد. با سربازان روبوسی می کرد و آنان را در آغوش می گرفت. این صحنه ها خیلی زیبا بود. از آنجایی که



خلوند متعال خریدار جان انسان های مومن است، فیض شهادت به سادگی نصیب هر انسانی نمی شود. شهادت شهید ستاری و همراهان وی برای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بسیار سنگین بود. شخصیت بی نظیر و ممتاز امیر سرلشگر شهید منصور ستاری هنوز هم برای جامعه ما ناشناخته است. این شهید والا مقام ارتش اسلام عاشق حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم (مدظله العالی) و آرمان های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و خدمت گزاران به نظام اسلامی بود.

سیاس از فرصتی که به این گفت و گو اختصاص دادید.

سران رژیم بعثی عراق را دیوانه کرد.

* رفتار و ارتباط شهید ستاری با دیگر فرماندها و سران نظام چطور بود؟

مراودات و دوستی او با شهید بابایی مثال زدنی بود. این دو شهید رفاقت زیادی باهم داشتند. حتی زمانی که مقرر بود فرمانده نیروی هوایی تغییر کند (سال ۱۳۶۴) هر دو نفر مورد توجه بودند. جالب آنکه هر کدام دیگری را شایسته این جایگاه می دانستند. در نهایت با اصرار شهید بابایی شورای عالی جنگ شهید ستاری را به امام راحل پیشنهاد کرد و امام (ره) نیز با این پیشنهاد موافقت کردند. بنابراین اگر منش و شخصیت ایشان را هم با کسی بخواهم قیاس کنم به شهید



بابایی می رسم. این دو واقعاً مثل دو برادر بودند. هر دو بزرگوار علاقه ویژه ای به ایشان داشتند. در هر سخنرانی یا مراسمی که در جمع نیروی هوایی بوده است، رهبر معظم انقلاب نام و یاد ایشان را گرمی داشته است. حتی یک بار ایشان در مراسمی فرمودند تا زمانی که ستاری بود خیالم از آسمان ایران راحت بود. خب زمانی که فرمانده کل قوا چنین می گویند معلوم است که شهید ستاری چه جایگاه ارزشمندی در حوزه نظامی کشور داشته است. امام (ره) هم این طوری به شهید نگاه می کردند. ایشان هم به ستاری علاقه داشت. شهید ستاری از فرماندهانی بود که هم بزرگان نظام و هم نیروهای عادی و معمولی و زیردستش او را دوست داشتند.

* اگر خاطره ای از ایشان به یاد دارید بفرمایید.

به خاطر دارم برای بازدید و مذاکره درباره شهید ستاری هنگامی که برای خرید این سامانه در مسکو وارد مذاکره شده بود. با فرماندهان مختلف روس در این باره سخن میگفت و سوالات متعددی می کرد.

پرسش های شهید ستاری فرماندهان روسی با جزئیات و دقت بالا برای پاسخگویی به ایشان جای خود را به دیگری می دادند. حتی یادم هست کار تا مرحله ای پیش رفت که فرمانده ارشد روسی آمد و وقتی با پرسش های دقیق شهید

فریب دشمن و مخفی کردن سایت های موشکی نبود، بلکه در آن زمان باید ما این شجاعت را به خرج می دادیم که سامانه دفاع موشکی هاگ را که آمریکایی ها به ما می گفتند شما جرات جابه جایی اش را ندارید، ببریم و رودر روی دشمن بجنگیم. این ایده جسورانه که پداقند هوایی می تواند متحرک باشد، برای برخی مسئولین محلی از اعراب نداشت. این کار از نظر آمریکایی ها، دشمن بعثی و حتی برخی از مسئولان، شدنی نبود اما با خلاقیت و تلاش دلیر مردان نیروی هوایی ممکن شد. با تکیه به توانمندی های اخلاقانه دلیر مردان کشور از جمله شهید ستاری بود که عملیات والفجر ۸ یکی از موفق ترین عملیات انجام شده از سوی رزمندگان اسلام در دوران هشت سال دفاع مقدس بدل شد. این عملیات بزرگ،

یکی دیگر از ویژگی های

برجسته شهید ستاری،

توانمندی خاص

ایشان در سخنوری

بود به نحوی که اگر دو

ساعت صحبت می کردند

از سرباز تا فرمانده

احساس خستگی

نمی کردند. حضور

مستمر و پیگیری مداوم

کارها از دیگر ویژگی

این شهید بزرگوار بود

گفتاری از هم‌رزم شهید ستاری

نماد ایستادگی و صلابت

سرهنگ حسین فاجانی

فرمانده گروه ارتباط الکترونیک نه‌جا



[ایشان فرمانده نیروی هوایی بودند و ما کارکنان ایشان به حساب می‌آمدیم، اما این سلسه مراتب چندان تاثیری در روابط ما نداشت و بیشتر رفاقت بود که در این روابط خودنمایی می‌کرد. شهید ستاری فردی باهوش، زرنک و مدبر و تکرار نشدنی بود. خاطره ای از این شهید دارم که شنیدن آن خالی از لطف نیست](#)

من سالیان زیادی در کنار شهید سرلشکر ستاری فعالیت می‌کردم. اولین کار ما در منطقه ظفار بود. در این منطقه ابزار تاکتیکی را به تدریج به کار گرفتیم و آزمایش کردیم و تقریباً تجربه خوبی در این زمینه به دست آوردیم تا اینکه گردانی به نام گردان تاکتیکی ارتباط ایجاد کردیم که عهده دار ارتباط تاکتیکی خارج از پایگاه‌ها بود. این گردان بود تا زمانی که جنگ آغاز شد. در آن زمان اولین کاری که کردیم بعد از انهدام سایت ۵ یا رادار دهلران، یک رادار جدید در سد ذی ایجاد و ارتباطات را برقرار کردیم.

در آن زمان پایگاه امیدیه آماده بود اما تجهیز نشده بود. ما پایگاه را با وسایل تاکتیکی تجهیز کردیم و همین

موضوع باعث شد که قرارگاه رعد ایجاد شود. این قرارگاه در امیدیه شکل گرفت و از چند بخش تشکیل شده بود. بخش عملیات پروازی به ریاست شهید بابایی، عملیات پدافندی به ریاست شهید ستاری، عملیات زمین به هوا به ریاست غلامی، مهندسی رزمی به ریاست قشقایی و پشتیبانی قرارگاه به عهده شیبانی اداره می‌شد.

این قرارگاه یک نیروی هوایی در مقیاس کوچک، تبدیل شد به جایی برای اداره جنگ و کاملاً مجهز بود. ارتباطی که بین بچه‌ها به وجود آمده بود که نوز پس از گذشت سالها، این صمیمیت و ارتباط به همان کیفیت ادامه دارد. آغاز تعامل‌ها و همراهی من با شهید ستاری از همین رعد بود. ایشان فرمانده نیروی هوایی بودند و ما کارکنان ایشان به حساب می‌آمدیم، اما این سلسه مراتب چندان تاثیری در روابط ما نداشت و بیشتر رفاقت بود که در این روابط خودنمایی می‌کرد. شهید ستاری فردی باهوش، زرنک و مدبر و تکرار نشدنی بود. خاطره ای از این شهید دارم که شنیدن آن خالی از لطف نیست.

ستاری مهم‌تر از همه این‌ها، برای من نماد یک پیام مهم بود: ایستادگی و صلابت!

یک روز شهید ستاری بیمار شد. به بیمارستان بعثت منتقل و همان‌جا بستری شد. همه برای عیادت از حاج منصور به بیمارستان رفتند. برخی دوستان که از میزان رفاقت ما باخبر بودند به طعن می‌گفتند به ملاقات تیمسار رفتید؟ و من می‌گفتم نه! تا اینکه حال تیمسار مساعد و از بیمارستان مرخص شدند و به دفتر برگشتند. به آجودان خود گفته بودند که با من تماس بگیرند و بگویند که من نمرده‌ام! اگر دوست دارید الان به عیادتم بیایید. من رفتم دفتر ایشان. رئیس عملیات وقت نیز در اتاق ایشان حضور داشت. من رفتم داخل اتاق. تیمسار ستاری به من گفت: نمی‌توانستید در بیمارستان به عیادت من بیایید؟ بیمار در بیمارستان منتظر و چشم انتظار است. گفتم: نه! گفت: چرا؟ به شوخی گفتم: من ستاری را سرپی می‌خواهم و ستاری دراز کشیده را به درد من نمی‌خورد! خندید.

پایگذار اتفاقات خوب

تیمسار آدمی بود که در یک برهه از زمان، خداوند متعال سر راه ما قرار داد که هم بتواند کار کند و هم پایه گذار برخی اتفاقات خوب در این حوزه باشد. والفجر ۸ عملیاتی بود که تمام مفسران جهانی گفتند کار نیروی هوایی ارتش ایران تمام شده و از بین رفته است. اما ما در این برهه کاری کردیم کارستان. ۴۵ روز این عملیات طول کشید و حدود ۶۴ هواپیما را منهدم کردیم. از نظر ما اهمیت این موضوع در این نیست. مهم این بود که ما با این کار، یک ترس در دل خلبانان عراقی ایجاد کردیم که دیگر پس از آن، نتوانستند عملیات موثری داشته باشند و این باور را در آنها ایجاد کردیم که شکست ناپذیریم. این موضوع با تلاش همه گروه پدافندی و به مدیریت شهید ستاری امکان‌پذیر شد.

عملیات والفجر ۸

تیمسار ستاری آدم باسوادی بود در طراحی جنگ به خصوص جنگ های هوایی. طراح بسیار قابل بود. طراحی عملیات والفجر ۸ با حاج منصور بود. در این عملیات به دلیل تهاجمی بودن، پرواز کمتری صورت گرفت. داستان والفجر ۸ از زمانی آغاز شد که وزارت امور خارجه از ستاری دعوت کرد که برای صحبت و مذاکره برویم. من هم همراه شهید ستاری رفتم، نمایندگان وزارت نفت گفتند عراقی‌ها با

موشک‌هایی که در دهانه فاو گذاشتند تمام صادرات ما را مختل کرده اند یعنی دیگر نه کشتی به سمت ما می‌تواند بیاید و نه می‌توانیم نفتی صادر کنیم و این موضوع ما را از پا در خواهد آورد و شما باید به نحوی این مشکل را رفع کنید. از جلسه که برگشتیم دو ساعتی با هم صحبت کردیم و قرار شد یک عملیات ایذایی در شمال آبادان در جزیره ام‌الرسا انجام دهیم. در این عملیات می‌خواستیم تعدادی از نیروهای عراقی مستقر در دهانه فاو را به سمت شمال خلیج فارس بکشانیم. البته یک عملیات هم در منطقه شتله داشتیم. در این دو عملیات دوست داشتیم موفق باشیم ولی به عنوان عملیات ایذایی انجام شد و تعدادی از نیروهای ما هم اسیر شدند. من خیلی ترسیدم و فکر می‌کردم که همه تدارکاتی که داشتیم از بین رفت. رفتم پیش حاج منصور و گفتم که من برمی‌گردم تهران. حاج منصور گفت: نه! کار زیادی مانده است.

مشتری‌ها صف کشیدند

شبانه نیروها را به دهانه خلیج فارس بردیم، دقیقاً روبروی فاو در دهکده ای به نام قفاس و من نمی‌دانستم قرار است چه کاری انجام دهیم و اقداماتی شد که قابل ذکر نیست. ولی ما با عملیات والفجر ۸ توانستیم خلیج فارس را از لوٹ وجود دشمن پاک کنیم. تا آن روز مشتری‌های نفتی به سمت ما نمی‌آمدند چون می‌دانستند که ما مشکل داریم به محض انجام این عملیات، مشتری‌ها صف کشیدند و اوضاع بهتر شد و می‌توان گفت والفجر ۸ نقطه عطفی در جنگ بود. شهید ستاری نوار مکالمه صدام با فرمانده لشکر ۳ گارد عراق را برای من گذاشت که در این نوار، صدام به این فرمانده می‌گفت ۲۴ تا ۲۸ ساعت نیروها را در منطقه نگه دارید من با نیروی هوایی، یک ایرانی را در این منطقه زنده نگذارم. شهید ستاری به من گفت: دوست داری بمباران بشویم؟ پیام و خواسته‌اش را به زیبایی به من رساند. گفتم: نه!

از همان زمان نگذاشتیم حتی یک پرواز عراقی به منطقه وارد شود و همه را از ۳۵ تا ۴۵ مایلی زدیم. این در حالی بود که تمام مفسران جنگ دنیا می‌گفتند کار پدافند هوایی ایران تمام شد اما این عملیات که نتیجه داد، همه ساکت شدند. پیش از شروع عملیات تقریباً تمام تجهیزات تمام شده بود و انبارها خالی بود حتی هواپیما و بمب هم نداشتیم.

یک آدم حرفه‌ای

شهید ستاری آدم حرفه‌ای بود در این حوزه. از همه مهمتر هوش تیمسار بود، بسیار آدم باهوش و مسلط به کار بود. تخصصی داشتند در پدافند به نام ترافیک هوایی که برای داشتن این تخصص باید اشراف کامل بر روی خلبانی داشته باشید تا بتوانید به این تخصص برسید. ایشان از نظر خلبانی چون کنترل شکاری بود آشنایی کامل با همه چیز داشت و در مجله صف سابق مقالات بسیار خوبی می‌نوشت. ستاری جرات انجام کارهای جدید را داشت زمانیکه کاری نداشت، در دفتر نمی‌نشست. می‌رفت در بخش لجستیکی یا تعمیرگاه‌ها و کار تازه‌ای را کلید می‌زد. می‌گفت فالن دستگاه را باز کنید و هر قطعه ای که می‌توانید بازسازی و دستگاه را راه اندازی کنید؛ این جسارت در حالی بود که دستورالعمل‌های سفت و سختی داشتیم که به تعمیرکار حتی اجازه جابجایی قطعات را نمی‌داد؛ ولی شهید ستاری این محدودیت را شکست و با شکستن این قفل، دوباره نیرو هوایی را زنده کرد.



گفت و گو با خلبان بیک محمدی

دم آدمی که مسیحای بود



به بدنه هواپیما، جایی که نوبز هواپیما و پلاستیک است زد. آن قسمت به دلیل زنگ زدگی سوراخ شد. شهید ستاری به من گفت که نوبز در جایی بگو اگر دوسال است درباره ضرورت زنگ زدایی می گویم دلیلش این مشکل است. نکته‌ای را گوشزد کرد که کسی قبل از آن نگفته بود. توی دلم گفتم، این همه فرمانده نیرو داشتیم که این چیزها را کمر مورد توجه قرار می دادند، چطور حتی به فکر خلبانان خودمان هم نرسید این را چک کنیم. بینش فنی ایشان تا کجا بود که به این مسائل ریز و پیش پا افتاده هم دقت می کرد.

این اواخر من فرمانده و جانشین تیپ بودم که ایشان برای بازدید نزد ما آمدند. پس از پایان جنگ، بخش تاسیسات مهندسی، بلوک‌های بسیار بزرگی درست کرده بود که مثل قوطی کبریت روی هم چیده می‌شد؛ آئینه‌های درست می‌شد که هواپیماهای سی ۱۳۰ داخل آن می‌رفت. به شهید ستاری گفتم تیمسار اگر اجازه بدهید حالا که جنگ تمام شده است برای هواپیمای بزرگی مانند ایلووشین، هم این کار را انجام دهیم. شهید ستاری گفت کار سنگینی است؛ به من گفت برو و این کار را انجام بده ولی جنس این بلوک‌ها از بتون است. گفتم از شخص شما یاد گرفته‌ام کار نشد ندارد. شما به ما گفته‌اید نمی‌شود و نمی‌توانم معنا ندارد. ایشان پذیرفت. با حمایتی که شهید ستاری از این پروژه انجام داد، کار را به خوبی تمام کردیم و به نتیجه رساندیم. مثال ایشان از باور به توانستن را به خوبی یاد است؛ ایشان گفت اگر ناخن‌های شما بلند شود حتی می‌توانید کوه‌های البرز بسازید ولی عزم و اراده شما را می‌خواهد.

*** در گنجینه ذهنتان، از رفتار و برخورد شهید ستاری، چه مورد برجسته‌ای را یادتان می‌آید؟**

خاطرم هست که در همان سال‌ها روزی، ابلاغ کردند بنا به دستور خود ایشان ساموریت خارج از کشور را انجام دهیم. ناهماهنگی‌هایی از سوی برخی از بخش‌های نیرو صورت گرفته بود و بدون در نظر گرفتن الزامات، این ساموریت را به من ابلاغ کردند. خیلی ناراحت شدم. سر و صدای من درآمد و

ذوق و شوق عجیبی برای گفتن دارد. هر خاطره‌ای را که با اشتیاق تعریف می‌کند، نکته دیگری به ذهنش می‌آید و صمیمانه، به زبان می‌آورد. معتقد است روزهای دفاع مقدس، فرصتی بود برای دیدن و آموختن. در این راه شناختن حضور شهید ستاری را یک فرصت می‌داند. فرصتی که اگر چه زود از دست رفته اما یادش هست. از تابلوی بزرگی می‌گوید که اتاق خوابش را تزئین کرد و منقش به چهره شهید ستاری است. تیمسار بهرام بیک محمدی، خلبان تیزپرواز و از پیشکسوتان نیروی هوایی، در این گفت‌وگو از تجربه حضور در کنار فرمانده آسمانی نیروی هوایی می‌گوید:

*** نخستین گام آشنا شدن شما با تیمسار ستاری چگونه برداشته شد؟**

من قبلاً در پدافند بودم و ایشان هم یک کارشناس ارشد بود. دورادور از فعالیت‌های ایشان مطلع بودم، ضمن اینکه از پرسنل رادار شنیده بودم که ایشان خیلی خوش‌برخورد، دانشمند و آگاه در زمینه‌های مختلف بود. خدا خدا می‌کردم که ایشان را از نزدیک ببینم، اگر چه کم سن و سال نبودم و تجربه همراهی با فرماندهان دیگری را داشتم اما دیدن فرمانده، همیشه جزو افتخارات و به معنای واقعی لذت بردن است. دیدن ستاری و هم صحبت شدن با ایشان شهد خاصی داشت، شیرینی خاصی همراهش بود، چرا که هر لغتش برای آدم درس بود. صدای ملایم و آرام، گفته‌هایی که خاصیت اسید سولفوریک داشت یعنی اگر ده تا هواپیما می‌خورد زمین، توجهش را از دست نمی‌داد، به هم نمی‌ریخت یا سگرمه هایش در هم نمی‌رفت. از کوره در نمی‌رفت. اگر میگفتند نصف کره زمین مال شما والله یک لبخند هم نمی‌زد. این از کجا نشأت گرفته بود؟ دانایی و اطلاعات این شخص ضمن تحصیلات عمومی و دانشگاهی، بسیار پر معلومات بود. ته دلم نگران بودم با این دانش‌اش سوآلی بپرسد که نتوانم پاسخ دهم.

*** از اولین حضور کاری یا عملیاتی در کنار شهید ستاری بگویید؟**

قرار بود با همین هواپیمای خودمان در خدمت ایشان باشیم. دستور داده بودند مأموریتی از طریق جهاد خودکفایی یک‌سری به روزرسانی‌ها و پرواز انجام شود. همه‌جا ناهماهنگی وجود داشته و دارد و طبیعی بود برخی افراد تمایل نداشته باشند این کار را به خوبی پیش ببرند. خود تیمسار ستاری اما ضرورت این کار را می‌دانست.

به چه‌جا گفتم تیمسار ستاری افتخار داده‌اند و قرار است برای کار حساب کتاب شده‌ای پرواز خاص روی دریا در خدمتشان باشیم. روزی که قرار بود برای اولین بار فرمانده نیرو را ملاقات کنیم، همه هیجان‌زده و مضطرب بودیم. من گفتم تیمسار ستاری مثل همه ما و یک آدم معمولی است، همان قند و چایی را می‌خورد که همه می‌خورند چرا اینقدر به خودتان سختی میدهید. اضطرابی داشتیم که از روی علاقه بود.

معمولاً در هواپیماهای بزرگ و ارتشی افراد زیادی برای چک کردن موارد مختلف مثلاً هیدرولیک، رفت و آمد دارند. شهید ستاری خیلی بی‌ریا آمد سوار هواپیما شد. به خاطر دارم توضیحات دقیقی که درباره ویژگی‌های کار می‌دادند تا چه اندازه دقیق و نزدیک به چیزی بود که دنبال رسیسین به آن بودیم. کارمان را با حضور شهید ستاری انجام دادیم و برگشتیم. در راه برگشت بندرعباس داخل ترمنال، ایشان بریفینگ را انجام داد. زیر بال هواپیما بین رادار هواپیما و جایی که فایبر کلاس است بحثی داشتیم. شهید ستاری با نوک خودکارش

امیر چسباندیم! چون صرفاً یک دستورالعمل داده بودند که برای مانور مرکب فردا رأس ساعت ۵ صبح به پاکستان بروید. اما این که کجا می‌خواهیم برویم و چه کنیم را دقیق نمی‌دانستیم. قبل از این ماجرا خدمت تیمسار ستاری رفتم، می‌دانست برای چه آمده‌ام. توضیح‌اتم را دادم و گفتم شرایط این طوری است هواپیما این طور است و شدنی نیست. همه حرف‌هایم را که زد، فرمانده با همان آرامش‌اش به من گفت بیک محمدی، دوست دارم بروی و آن چه را که در شایستگی کشور است به نمایش بگذاری. گفت من می‌خواهم نه فقط تو، که که پرچم ایران باشد که روی این هواپیما پرواز می‌کند. نیایی بگویی یک روز بگویی باطری‌ام نمی‌زند، هواپیمایم روشن نمی‌شود. حرف‌های تیمسار ستاری به قدری نافذ بود و صدایش آرامش‌بخش بود که آرامم کرد.

*** از پروژه‌ها یا کارهایی که در کنار ایشان بودید، خاطره‌ای دارید؟**

از ماجرای ساخت «سانابوی» بود که ارتباط من با تیمسار ستاری، نزدیک‌تر و جدی‌تر شد. سانابوی‌ها استوانه‌های سیاه هستند که وظیفه شناسایی دقیق اهداف زیرسطحی را دارد و در یک منطقه مشکوک به حضور زیر دریایی به کار می‌رود. می‌تواند توسط شناور سطحی چیزهای دیگری مانند ناوچه‌های اژدرافکن یا ضد زیر دریایی هم شناسایی کند. کارش این طوری است که وقتی هواپیما شروع به گشت‌زنی می‌کند و با تشخیص اختلالات مغناطیسی ناشی از برخورد پژواک سیستم سنوآر (که ارسال کننده آن در ناحیه دم هواپیما قرار دارد) و بازگشت آن جهت شناسایی بهتر، یک سانابوی را رها می‌سازد. این سانابوی، دقیقاً وظیفه سنوآر را در سطح دریا به عهده دارد. سانابوی انعکاسات را به هواپیما بر می‌گرداند. دستگاهی به نام ایرتو ایروان (Airairone) سیگنال را عین نوار قلب نشان می‌دهد.

من گفتم باید امکاناتی که مربوط به این هواپیما هست و آموزش‌اش را داریم باید عملیاتی و تاکتیکی شود. با چند تا بچه مسلمان جمع شدیم که هواپیمای ما که مأموریتش این است چرا نباید بتواند اما بعضی‌ها گفتند اگر آمریکا بداند که ما قوی‌تر هستیم ما را بیشتر تهدید میکند. تیمسار ستاری اما ایستاد و تمام قد حمایتان کرد. یاد می‌آید قرار شد با دستور شهید ستاری را بسازیم که روی آب قرار می‌گرفت و در ارسال برخی اطلاعات به هواپیما کاربرد داشت. تیمسار ستاری می‌گفت بیک محمدی حتی اگر ۲۰ تا از این قطعه‌ها را هم شکستی بشکن، ولی درست کن به کار را به جایی برسان. کار را آغاز کردیم.

به مرحله‌ای رسیدیم که باید قطعه را به آب می‌انداختیم و آنتن را در آب آزمایش می‌کردیم. این آنتن ارتباطی در آب کشتی، قورباغه، نهنگ، ماهی و امثال این‌ها را می‌گرفت و به هواپیما می‌داد. همه چیز به ظاهر درست شده بود اما کار نمی‌کرد. یک روز کتاب را جلویم گذاشتم گفتم خدایا این آنتن الان سیگنال می‌دهد اما چرا در آب جواب نمی‌دهد. دوران جنگ بود و هر لحظه برای ما حیاتی. در حین کار بودیم تیمسار ستاری با یک هواپیمای جت فالکن برای دیدن ما آمد. با لهجه قشنگی گفت چه کار می‌کنید باباجان؟ گفتم باید این دستگاه راه بیفتد تا من زیر دریایی را پیدا کنم. شهید ستاری از زیر بال هواپیما رد شد که برود. از خدانوخت متعال خواستیم این دستگاه راه بیفتد. ما برای آزمایش، یک هواپیما را یک کیلومتر آن طرف گذاشته بودیم. آنتن از هواپیما بیرون آمد. توی آب رفت و جواب داد. از خوشحالی فکر کردم همسرم سفوق پسر زائیده است!



قرارگاه رعد نهاجا

نحوه شکل گیری نام

بر اساس سوره
رعد قرآن کریم

نیمه اول سال ۱۳۶۴

شکل گیری
قرارگاه رعد

۲۳ شهریور ۱۳۶۳

اولین پایه قرارگاه رعد
در نهاده شد

پایگاه هوایی امیدیه

محل استقرار
اصلی

اهواز

محل استقرار
اولیه

فرمانده قرارگاه

سرلشکر خلبان
عباس بابایی

بیش از ۲۰۰ پرواز موفق در طول عملیات گوناگون

پدافند رعد به فرماندهی سرلشکر شهید ستاری و هواپیماهای جنگنده ارتش جمهوری اسلامی ایران روزانه به طور میانگین سه تا چهار فروند هواپیمای جنگنده عراق را ساقط می کردند که تا پایان عملیات آمار هواپیماها و بالگردهای ساقط شده به وسیله پدافند رعد و جنگنده های نیروی هوایی و هوانیروز به ۷۰ فروند هواپیما و ۱۰ فروند بالگرد رسید که از این تعداد یک فروند «هواپیمای شکاری میگ» و پنج فروند بالگرد به وسیله هوانیروز ساقط شد.

امکانات پدافند هوایی

سامانه های دفاعی ، سامانه
هاگ، جمله توپ های ضد هوایی،
سکوی پرتاب موشک و
تجهیزات راداری

منطقه فعالیت قرارگاه پدافند هوایی رعد

پوشش کامل منطقه عملیاتی و
هدف قرار دادن هواپیماهای
دشمن

تعداد عملیات مشارکت کننده قرارگاه رعد

بیش از ۱۰ عملیات





شهیدار دستانی

فرمانده پروازی
قرارگاه



سرتیپ علی غلامی

فرمانده
پدافندی



مرحوم سرگرد محمد شبانی

فرمانده مرکز آماد
و پشتیبانی قرارگاه



حسین صادق زاده

رئیس دفتر و مسوول
هماهنگی قرارگاه



همافر نعمت شمشیری گرمی

فرمانده گردان تعمیر
و نگهداری سامانه هاگ

افراد هسته موثر در قرارگاه رعد

حدود ۱۵ نفر

تعداد عملیات نقش آفرین

تمام عملیات از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ

نحوه کار

خلبانان پایگاه های مختلف به صورت ۴ تا ۸ فروندی به آن جا می رفتند و طی مدت ۱۵ تا ۲۰ روز اقامت در آن جا، ماموریت هایی را علیه مواضع دشمن انجام می دادند که در همگی آنها احتمال بازگشت بسیار پایین بود و دوباره به پایگاه های خود باز می گشتند.

نکته جالب

برای فعالیت و جایگاه شهید منصور ستاری در قرارگاه رعد هیچ حکمی صادر نشد، اما عملاً بعد از شهید بابایی فرمانده قرارگاه، در جایگاه قائم مقام همه امور قرارگاه رعد مطلع و نقش آفرین بود.



برای استقرار قرارگاه رعد

۳ نقطه پیشنهاد شد

سومین نقطه ستاد گروه
پدافند اهواز بود

نقطه دوم مدرسه ای
در گروه پدافند اهواز

اولین نقطه ساختمان
بهداری گروه اهواز بود
که کسی در آنجا حضور
نداشت

مدرسه برای قرارگاه رعد پذیرفته شد و بخش پدافندی قرارگاه رعد به مسئولیت شهید ستاری در اهواز و بخش آفندی، به مسئولیت شهید بابایی در امیدیه مستقر شد.

اولین جلسه رسمی قرارگاه رعد در نیمه دوم ۶۴ با حضور شهید ستاری، شهید بابایی، و دیگر مسئولان در این مدرسه واقع در اهواز تشکیل شد.

ناگفته‌هایی از سرتیپ جوادنیا

او یک متخصص بود

ستاری را با چشم دل می‌شناسد. از آن روزها گفتنی‌های زیادی دارد. گفتنی‌هایی که بخشی از آن در این گفت‌وگو می‌خوانیم:

*** شهید ستاری پدافندی بود و شما ارتباطات الکترونیک، در کدام عملیات نقش شهید ستاری را پررنگ دیدید؟**

در عملیات غرور آفرین والفجر، با ابتکار شهید ستاری نمی‌توانستیم از رادار هاگ استفاده کنیم یعنی اتاق فرمان ما در منطقه، کور عمل می‌کرد. اتاق فرمان سامانه موشکی زمین به هوای ایران نمی‌توانست رادار پی آر خود را روشن کند. در آن زمان شهید ستاری در بندر امام مستقر بود و از طریق کانال



با فاشا باید در ارتباط مستقیم باشد تا به محض اینکه فاشا اطلاعاتی را رویت و شنود کرد به رادار منتقل کند چون ایران کشوری کوهستانی است نقاط کور زیادی دارد و نمی‌توانستیم از نظر راداری تمام مرزها را پوشش دهیم. در این زمینه نیز شهید ستاری به همراه شهید بابایی بحث دیده بانی را آغاز کردند. جلسه‌ای در نقطه‌ای به نام نیوسایت برگزار شد و بحث دیده بان مطرح شد تا در نقاط کور راداری دیده بان قرار گیرد که خیلی خوب هم جواب داد. افرادی آموزش داده شدند تا انجام ماموریت دیده بانی را انجام دهند. نقاط کور راداری با این ابتکار پوشش داده شد. همراهی با شهید ستاری بسیار برای من مفید بود و مطالب بسیاری از این شهید آموختم و از افتخارات من هم رزم بودن با شهیدان ستاری و بابایی است و توفیقی از سوی خدا برای من بود.

* شما از چه نقطه‌ای شهید ستاری را شناختید؟

با آغاز دفاع مقدس، امیر سرتیپ فکوری فرماندهی نیروی هوایی را عهده‌دار شد. در زمان آغاز جنگ شهید ستاری با درجه سرگردی، معاونت عملیات پدافند هوایی را بر عهده داشت. ایشان نماینده تام‌الاختیار فرمانده ارتباط در منطقه شدند تا از این طریق گسترش پدافند هوایی و تغییرات خلأخانه را کلید بخورد. تخصص اصلی شهید ستاری، الکترونیک بود و این حوزه را بسیار درست درک می‌کرد. چون از نظر تخصص هم‌زمان بودیم، تعامل و ارتباطمان هم کم نبود. افتخار همراهی با شهید بابایی و شهید ستاری از نزدیک را داشتم. شهید بابایی به عنوان نماینده نه‌جا، شهید ستاری به عنوان نماینده پدافند هوایی و من نیز به عنوان نماینده ارتباط الکترونیک نیروی هوایی در مناطق به دنبال رفع مشکلات بودیم. آغاز تعامل و همراهی من با شهید ستاری از این جا بود.

*** اشاره کردید که شهید ستاری در حوزه الکترونیک تخصص داشت. در این حوزه چه کارهایی را شاهد بودید**

شهید ستاری به سرانجام برساند یا آغاز کننده راه باشد؟

شهید ستاری اقدامات بزرگی انجام داد و سازمان یافته عمل کرد. یکی از ضعف‌های ما در عملیات این بود که فناوری تشخیص هوایی‌های خودی را در اختیار نداشتیم، در حالی که دنیا و حتی دشمن از این فناوری استفاده می‌کرد؛ بسیاری از نیروهای خودی با هوایی‌ها آشنا نبودند. بزرگ‌ترین نقطه ضعف ایران در جنگ نیز همین مسئله بود. زیرا نبود فناوری قدرت تشخیص هوایی‌های خودی را گرفته بود اما اگر به فناوری سسی ۴ می‌مجهز بودیم دیگر این مشکل وجود نداشت و سامانه‌های زمین به هوا، موشکی و راداری سریع هوایی‌های دشمن را از خودی تشخیص می‌دادند.

شهید ستاری معتقد بود برای رسیدن به موفقیت باید به سامانه فرماندهی و کنترل سسی ۴ می‌مجهز باشیم. بنابراین پس از پایان جنگ، شهید ستاری که علاوه بر آشنایی پدافند، تسلط بسیاری بر جنگ الکترونیک داشت و تجربه‌های ارزشمندی هم در بحث طراحی، معماری در توشه داشت، پیاده‌سازی سسی ۴ را با کمک شهید عدالت‌نژاد خامنه‌کلید زدند و تمام بخش‌های مختلف همچون هواشناسی، کامپیوتر، ارتباطات، الکترونیک و امنیت را به صورت یک مجموعه در آورد و مجموعه فرماندهی ارتباط منحل شد و به معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات ارتقاء یافت.

های ارتباطی که در آبادان و شوشتر گسترش یافته بود گرامی داد. شهید ستاری پیشنهاد داد که رادارها را اصلا روشن نکنیم و طرحی خلأخانه ارائه دادند که رادارها با سامانه‌های موشکی فاصله داشته باشند. سامانه‌های موشکی هاگ ایران محدود و مجهز به رادار پی آر، لانچر موشک و اتاق فرمان بود. به محض اینکه این سایت روشن می‌شد بلافاصله موشک ضد رادار می‌آمد و این سامانه را منهدم می‌کرد پس ایران نمی‌توانست هیچ هوایی‌هایی را نابود کند. بنابراین شهید ستاری طرح را مطرح کرد که رادارها را خاموش کنیم یا به محض اینکه فاشا اطلاع می‌داد هوایی‌های دشمن رویت شده برای یک لحظه رادار روشن می‌شد و سریع خاموش می‌شد. بنابراین با استفاده از اطلاعات رادارهای دور دست همچون رادار بندر امام یا اهواز و بهمان اطلاعات را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کردیم. نتیجه به اتاق فرمان موشک هاگ منتقل می‌شد تا با استفاده از این اطلاعات شلیک موشک انجام شود و به هدف اصابت می‌کرد. تمام این اقدامات ابتکارات شهید ستاری بود که بعدها طرح دیگری را عنوان کرد تا با زیاد کردن فاصله رادارها آنها را روشن نگاه داریم و با فاصله زمانی اطلاعات را به سامانه موشکی منتقل کند.

* ایده این کار با خود شهید ستاری بود؟

می‌دانید که مجموعه سامانه‌هاگ باید با هم کار کند یعنی رادار مختصات دقیق را مشخص کند و به اتاق فرمان بدهد تا موشک درست به هدف اصابت کند اما زمانی که رادار نباشد این سامانه عملاً غیر فعال است. حال ما باید این اطلاعات را از رادارهای دیگر دریافت می‌کردیم و برای اینکه دشمن این رادارها را شناسایی نکند باید با فاصله از یکدیگر قرار می‌گرفتند. این طرح را شهید ستاری مطرح کرد. ایشان چون به الکترونیک تسلط کامل داشت از فاشا هم استفاده‌های زیادی و درستی کرد. به من می‌گفت رادارها

شهر آبادان در استان ایلام، جایی بود که کارش را آغاز کرد. چند سالی را تا زمان آغاز انقلاب اسلامی به عنوان فرمانده ایستگاه پدافند هوایی در این منطقه فعال بود. پس از انقلاب قرار شد واحدهای نظامی به صورت شورایی اداره شوند و او به عنوان رییس شورا انتخاب شد. تا اینکه در ۳۱ شهریور ماه ۵۹ با ۱۹۲ فرزند هواییما عراق به ایران و آغاز جنگ، به عنوان نماینده فرمانده ارتباط الکترونیک نیروی هوایی از سال ۵۹ در مناطق جنگی به خدمت‌رسانی مشغول بود. این فرماندهی مستقل، هم ردیف فرماندهی پدافند یا فرماندهی لجستیک نیروی هوایی به عنوان بازوی اجرایی فرماندهی نیروی هوایی در مناطق عملیاتی عمل می‌کرد. از نظر برقراری ارتباطات، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، اعمال فرماندهی و کنترل کارهای زیادی انجام شد. روزهای پر تلاطم دفاع مقدس و معاونت ارتباطات الکترونیک، زمینه آشنایی او را با فردی ایجاد کرد که از همه لحاظ نه تنها در تخصص راداری و پدافندی‌اش، که در ارتباطات نیز متخصص بود. همین‌جا بود که سرتیپ علیرضا جوادنیا، شهید سرلشگر منصور

تخصص اصلی شهید ستاری، الکترونیک بود و این حوزه را بسیار درست درک می‌کرد. چون از نظر تخصص هم‌زمان بودیم، تعامل و ارتباطمان هم کم نبود. افتخار همراهی با شهید بابایی و شهید ستاری از نزدیک را داشتم



تا جلوی حملات دشمن را بگیریم. فرمانده فقید نیروی هوایی، به این فکر می کرد که بتواند به نحوی جلوی دشمن را بگیرد. زمانی که توسط هواپیماهای رادار زن اولین رادار هاگ ما را هدف قرار داد، شهید ستاری ابتکار عملی به خرج داد که کسی فکرش را نمی کرد. سامانه هاگ باید روی هواپیمای دشمن قفل می کرد تا زمانی که در یک موقعیت مناسب رسید، به طرفش موشک شلیک کند؛ اما تا آن زمان هیچ کس نمی دانست که این هواپیما، می تواند رادارهای ما را مورد اصابت قرار دهد. این نکته در هیچ کدام از منابع اطلاعاتی ما نیز ذکر نشده بود. این کار به قدری مخفیانه انجام می شد که هیچ کس از این ویژگی، تا زمانی که اولین های پاور سایت هاگ ما را مورد اصابت قرار دادند خبر نداشت.

*ستاری این موضوع را می دانست؟

بله، و به همین دلیل هم بود که این شهید والا مقام ابتکار به خرج داد تا رادارها از نابود شدن توسط رادارزنهای دشمن نجات پیدا کنند. وقتی که در منطقه جنوب، سایت های پاور ما را هدف قرار دادند، شهید ستاری به سرعت به دنبال مطالعه برای حل این مشکل رفت. دلیل این موضوع را دریافت و به این نتیجه رسید که از آن جایی که امواج رادار، به صورت پیوسته به طرف هواپیما می رفت و سایت هاگ برای هدف قرار دادن روی هواپیما قفل می کرد؛ هواپیمای دشمن با سیستمی که داشت، موشک را دقیقاً داخل قیف امواج قرار می داد. بدین ترتیب، موشک با گرفتن دنباله موج، مستقیماً، به رادارهای پاور ما اصابت می کرد. با ابتکار شهید ستاری سیستم‌های راداری ما هم از رادارهای مادر و رادارهای ثابت یا متحرک، نابود شدن نجات پیدا کردند. این موضوع را آمریکاییها نگفته بودند و حتی فکر نمی کردند چنین اتفاقی بیفتد. زیرا وارد این مراحل نشده بودند. اما برای حل این مشکل، با ابتکار شهید ستاری در سایت های راداری ما کلیدی نصب شد که امواج راداری را به صورت یکسره به هواپیمای دشمن نمی فرستاد بلکه این امواج توسط این کلید قطع و وصل می شد و به این ترتیب، رادارزنهای دشمن را ناکام گذاشت.

*ستاری برای این تحول چه کاری کرد؟

خب تغییر شکل و گسترش پدافند هوایی را که حاصل نوآوری و ابتکار بزرگانی چون شهید ستاری بود، زمینه‌ساز شکل‌گیری دفاعی اثرگذارتر از مناطق زمینی حساس کشورمان بود به نظر. با این گسترش پدافند هوایی به سطح کشور، توانستیم که جلوی مقدار زیادی از حملات هواپیماهای دشمن را بگیریم. نقاط متعددی به خصوص در منطقه خوزستان، لرستان به خصوص مناطق غربی کشور بارها مورد حمله قرار گرفتند که دفاعشان توسط این توپخانه و سایت‌های موشکی انجام می شد. بحمدالله پدافند هوایی به‌داد ما رسید و مقدار زیادی از بار دفاعی کشور را به دوش کشید. این مرد آسمانی کشور میان تمام هردوره‌های ما و چه افراد قیل و بعد از خودش، از یک استمداد خاصی برخوردار بود. زیرا اولاً کسی بود که یکسره در حال مطالعه بود و حتی یک لحظه بی‌کار نمی نشست.

*چه ویژگی‌های فردی و مدیریتی را در زندگی اش جالب دیدید؟

همان طور که گفتیم، خیلی اهل آموختن و مطالعه بود. شهید ستاری حتی حین غذاخوردن، کتابی را باز می کرد و کنار میز غذایش می گذاشت. با هر قاشق غذایی که می خورد، کتاب هم می خواند. فرمانده بود و مقتدر، اما صمیمیت خاصی میان نیرو و این شهید بزرگوار وجود داشت. شهید ستاری با اخلاق خاص و لطف و مهربانی که داشت همه ما را باباجون صدا می کرد. از آن جایی که صمیمی بودیم به او می گفتیم اول غذایت را بخور و بعد مطالعه کن. اما این شهید بزرگوار می گفت نه، من باید مطالعه کنم و غذا هم بخورم که به تنم پچسبد. همین رفتارها بود که باعث شد او از مهارت خاصی برخوردار باشد.

بینیندا افرادی که چندین سال پیش از ایشان بودند و چه آن‌ها که بعد از ایشان بودند، علاقه خاصی به این شهید بزرگوار داشتند. زیرا به واسطه دانش، تجربه و مهارت بالایی که داشت به ما آموزش می داد و آموزش اصلی اغلب ما توسط شهید ستاری انجام شد.



ابتکاری که رادارها را نجات داد

گفت و گو با یکی از هم‌زمان راداری شهید ستاری

دشمن ایستادگی کردیم. با توجه به این که سیستم هایی موجود در نیروی هوایی از برتری الکترونیکی خاصی برخوردار بود اما این تجهیزات مدام به تعویض قطعات خاصی نیاز داشتند. در روزهای نخست جنگ، از لحاظ ذخایر انبار، وضع خوبی داشتیم و با کمکی که متخصصین فنی، و هم‌فراهای فنی و چه در امر آفند ارائه می کردند، مشکل خاصی نبود. همین امکانات زمینه ساز پرواز ۱۴۴ فرزند هواپیما آن هم در دومین روز جنگ می شود؛ در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که بتوانند در چنین ابعاد وسیعی این تعداد پرواز را با هم انجام دهند. زیرا هر حمله به تنهایی نیازمند برنامه‌ریزی‌های خاص خود است. اما در روز دوم جنگ برای این که بتوانیم جواب دندان شکنی به حمله عراق بدهیم، ۱۴۴ فرزند هواپیما از پایگاه‌های مختلف بلند شده و به نقاط مختلف نظامی عراق حمله می کند. این در حالی بود که جنگنده‌های ما به‌هیچ عنوان به نقاط اقتصادی و نقاط شهری عراق حمله نکردند. توسط آمریکا تحریم شدیم و هیچ قطعه‌ای در اختیارمان قرار نمی دادند. در این حال که ما از تأمین قطعات عاجز مانده‌ایم، عراق به جدیدترین سلاح‌ها تجهیز شده بود. شهید ستاری راه مقابله و حکمت نیروی هوایی را در تغییر ساختار و شکستن سنت‌های موجود دید با ابتکار این شهید بزرگوار، تا حد ممکن علاوه بر ارتقای سطح دانش، توانمندی عملیاتی خودمان را متناسب با تجربیاتمان تغییر دادیم.

*چگونه این کار را کردید؟ مثالی دارید؟

مثلاً اگر به ما گفته بودند که برای پدافند باید به این شکل عمل کنید و قاعده این است، آمدم و براساس به ابتکارانی منحصر به‌فرد، این قاعده‌ها را در هم شکستیم تا به قواعد و راه حل‌های جدیدی برسیم. یکی از همین تحولات، تغییر ساختار مأموریت‌های پدافند بود. مثلاً در گذشته‌ی نیروی هوایی، وظیفه اصلی پدافند دفاع از سایت‌های رادار و پایگاه های نیروی هوایی بود و تمام تجهیزات ما برای فقط به این منظور تجهیز شده بود. اما وقتی جنگ آغاز شد با توجه به نیازهای کشور و ضرورت حفاظت از نقاط حساس، پدافند گسترش یافت. بنابراین پدافند هوایی پارازیت قواعد مرسوم‌اش فراتر گذاشت و بیش از آن چه که به عنوان وظیفه نیروهای پدافندی تعریف شده بود، فرم‌های پیشین را در هم شکست و در در سطح کشور گسترش یافت. با این تغییر ساختار بود که پدافند هوایی از اسکله های مختلف نیروی دریایی تا سکوها ی نفتی، کارخانجات مختلف تا پلهای مختلف و پایگاه های متعددی دفاع کرد.

* شما در پدافند هوایی همراه ایشان بودید. کاری که شهید ستاری درباره رادارها و سامانه‌های موشکی کرد چرا منحصر به فرد بود؟

شهید ستاری با توجه به درایت خاصش همیشه دنبال راهی بود

سرهنگ عین‌الله افروز یکی از کسانی است که در پدافند نیروی هوایی ارتش، فرصت همراهی در کنار شهید ستاری را یافته است. او از روزهایی می گوید که پدافند هوایی به کمک شهید ستاری و دیگر هم‌زمانش انسجام یافت و بسیاری از چالش‌های فراوی این بازوی دفاعی کشور به دست فرمانده فقید نیروی هوایی در مسیر حل شدن قرار گرفت. با او درباره کار شهید ستاری در طول دفاع مقدس انجام داده و تأثیری که بر ساختار دفاع هوایی کشور گذاشت گفت و گو کردیم:

در دوران حملات هوایی و درست در زمانی که رادارزن‌های پیشرفته قصد نابود کردن سایت‌های راداری زمینی ما را داشتند، شهید ستاری با کلیدی این قفل را گشود و رادارها از حملات موشک‌ها نجات یافت.

* کاری که شهید ستاری در طول دفاع مقدس انجام از چه نظر برجسته بود؟

یکی از نتایج خوبی که در طول جنگ بدست آوردیم، ضرورت یکپارچگی و هماهنگی کل ساختار پدافند شامل پدافند نیروی هوایی، پدافند نیروی زمینی، نیروی دریایی و همین‌طور سپاه و امثالهم بود. الان در هر کدام از مناطق ما تعدادی سایت مربوط به سپاه و ارتش وجود دارد که به صورت هماهنگ با یکدیگر کار می کنند و کل منطقه هوایی کشور را پوشش می دهند.

شهید ستاری تأکیدی جدی بر منسجم شدن ساختار پدافند هوایی داشت و برای این موضوع، یکی از دلایل شهید ستاری این بود که اوایل جنگ فرضاً هواپیماهای ما روی بر فرض یک خط پروازی حرکت می کرد که احیاناً سپاه در آن ناحیه توپخانه داشت. هواپیما در حال انجام مأموریت بود اما از این توپخانه به طرف این هواپیما تیراندازی می کردند. شهید ستاری به طور جدی ایستادگی کرد و گفت باید ساختار پدافند هوایی را به صورت شبکه‌ای منسجم در بیآوریم. این شهید بزرگوار معتقد بود تمامی سایت‌های پدافندی باید در یک زنجیره منسجم قرار بگیرد و هر چیزی خارج از این زنجیره، به غیر از ضرر چیز دیگری نخواهد داشت بنابراین با توجه به داشتن ایستگاه های رادار سایت های هاگ و سایت SIV و امثالهم را منسجم کردند.

* به دلیل محدودیت‌ها از ادامه جنگ از امکانات کمتری برخوردار بودیم. شهید ستاری با این محدودیت چگونه سر می کرد؟ در روزهای نخست دفاع مقدس، در هوا صاحب قدرت برتر بودیم. اما به تدریج قصه عوض شد. به طوری که از لحاظ تکنیکی و در روزهای آینده جنگ، با امکانات حداقلی در مقابل



همه با عشق، علاقه و با جان و دل کار می کردند به طوری که خستگی معنا نداشت. خودباوری در همان زمان بین همه ایجاد شد. خودباوری که باعث شد سامانه بومی را بسازیم و امروز بگویم ما می توانیم. اگر امروز دشمن از ایران هراس دارد به این دلیل است که نامتقارن با آنها درگیر می شویم. هوش سرشاری که داشت را در راه درست به کار بست. جلسه ای همراه شهید به وزارت دفاع رفته در آن جلسه از کشورهای آلمان و سوئیس هم حضور داشتند شهید ستاری به انگلیسی گفت: ما در آینده نزدیک یک درگیری با امریکا در خلیج فارس داریم. افراد حاضر که از آگاهی و تخصص بالای شهید ستاری متعجب بودند، می گفتند چه فرمانده باسوادی دارید. فرمانده ایرانی با بیاناتش به ما نکات مهمی را یادآوری و پیشنهاد می کند.

شهید ستاری معتقد بود ما هیچ چیز از غربی هم کم نداریم تنها باید خودمان را باور کنیم که می توانیم. اگر کاری را انجام دادید و اشتباه بود بگوئید ستاری گفت اما اگر درست بود بگو خودم انجام دادم. باید به مغزها بیشتر توجه کرد که سخت افزارها و نرم افزارها را کنترل می کنند. با این گفته ها و رفتارهایش پایه های تحول را در نیروی هوایی بنا کرد به گونه ای که امروز در هر مکان آثاری از نوآوری و خودباوری و جهادی ایجاد شده توسط او را می بینیم. سال ۱۳۶۵ شهید ستاری

کردند با این عنوان که فرمانده قدرتمند نیروی هوایی ایران تکنولوژی غرب و شرق را باهم درآمیخت. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ با تیمی به شوروی رفت. زمانی که برگشت گفت امروز باید از این فضای ایجاد شده استفاده و سیستم هایی را به ایران وارد کنیم. در والفجر ۸ نیز از ما خواستند تا در سامانه هاگ رادار تجسس را روشن نکنیم تا دشمن متوجه نشود. بنابراین خودشان به بندر امام رفتند و گرا را به ما می دادند. ما نیز در دهانه فو مستقر بودیم و با ارسال دقیق مختصات توسط شهید ستاری هدف را می زدیم. در والفجر ۸ پدافند نیروی هوایی از حالت ثابت به متحرک تبدیل شد. والفجر ۸ را باید شروع انقلاب در پدافند نیروی هوایی بدانیم. شهید ستاری بیشترین زمان را در پایگاه های نیروی هوایی می گذارند هر نقطه ای از کشور که می رفتیم می گفتند شهید ستاری چند روز پیش اینجا بود. دو روز قبل از شهادت پیش من آمد در آن زمان فرمانده تعمیراتی پدافند بودم و گفت: مردش هستی کمر سفت کنی، گفتم بفرماید. گفت: می خواهم اسکای گارد را با اف ۲۷ چینی تلفیق کنیم. با این اقدام یک سیستم غربی (سوئیس) با یک سیستم شرقی تلفیق می شد. که خوشبختانه در مدت یک سال این کار را با موفقیت انجام دادیم به گونه ای که خود چینی ها نیز شگفت زده شدند. شهید ستاری حتی سیستم های

نام شهید ستاری را که می شنود درخواست ما برای گفتگو با اشتیاق پاسخ می گوید. آرامش و منانت ویژگی فردی او در طول مدت این گپ و گفت صمیمی است. سرتیپ احمد صادق نژاد در سال ۱۳۸۰ به عنوان فرمانده پدافند هوایی منصوب می شود و از سال ۸۲ به عنوان چهارمین رئیس دفتر مطالعات و تحقیقات نیروی هوایی فعالیت می کند. این پیشکسوت نیروی هوایی، نخستین بار در اسکای گارد به عنوان افسر فنی و عملیات مشغول می شود و با شکل گیری قرارگاه رعد نهجا در این قرارگاه خدمت رسانی می کند. درباره شهید ستاری با او به گفتگو نشستیم.

*** شهید ستاری و حضرتعالی هردو در ساختار پدافندی نیروی هوایی حضور داشته اند. ارتباطات به اندازه سیگنال های ارتباطی قدرتمند بود؟**

من به شهید ستاری علاقه فراوانی داشتم هر بار نکته ای تازه از او یاد می گرفتم. شهید ستاری معتقد بود افسران فنی و عملیاتی در یک جا در عملیات های جنگ شرکت کنند تا یکدیگر را پوشش دهند. نخستین بار در اسکای گارد به عنوان افسر فنی و عملیات مشغول بودم. پس از آن شهید بابایی به همراه شهید ستاری قرارگاه رعد را تشکیل دادند که من نیز عضوی از این قرارگاه بودم که در عملیات



گفت و گو با مشاور وزیر دفاع و نیروهای مسلح

نشسته بر بال «نیوغ» و «مهربانه»

شهید ستاری درباره نیروی

هوایی معتقد بود: امروز خلبان

ها دسته دسته برای جنگ می

روند بعضی شهید می شوند

اما برای حفظ و دفاع کشور و

نظام باید جان داد. همچین

درباره پدافند هوایی می گفتند

پدافند هوایی یک بعدی نیست

پدافند هوایی عمیق، چند بعدی

و گسترده است

فرمانده نیروی هوایی شد و ۱۵ دی ماه ۷۳ شهید شد در این ۸ سال فرماندهی همواره حضور فعال داشت و آغازگر فعالیت های اصولی و بنیادی شد که امروز ادامه دارد. افسران فعال امروزی با خلبانان نیروی هوایی بسیاری دست پرورده شهید ستاری هستند همین استارتاها امروز در کشور چه رشدی کردند در گذشته این موارد وجود نداشت. در گذشته اجازه و توان نمی دادند که بسیاری از اقدامات را انجام دهیم. خودباوری که در ایرانیان وجود دارد در منطقه سرآمد است.

هوایی شرقی را با غربی به صورت سوخت رسان تلفیق کرد. یک لجستیک پویا و انقلابی را با عنوان قرارگاه رعد تشکیل داد که سرعت پشتیبانی را بسیار بالا برده بود.

*** ما در آن زمان محدودیت هایی از لحاظ فنی و امکاناتی دست و پنجه نرم می کردیم. فرمانده نیروی هوایی چه تدبیر خاصی را اتخاذ کرده بود تا عرصه هوایی کشور کمترین آسیب را متحمل شود؟**

زمانی که با درجه سرهنگی فرمانده نیروی هوایی شد همه می گفتند شخصی که خلبان نیست نمی تواند جنگ را اداره کند اما با سرعت بالا و نبوغی که داشت خلبان اف ۷ هم شد. شهید ستاری راهبرد جدیدی را در پدافند هوایی ابداع کرد و پدافند هوا پایه را به پدافند زمین پایه تبدیل کرد. با تدبیر شهید ستاری و شهید بابایی و سایر بزرگان در دستیابی به پدافند متحرک موفق شدیم. شهید ستاری درباره نیروی هوایی معتقد بود: امروز خلبان ها دسته دسته برای جنگ می روند بعضی شهید می شوند اما برای حفظ و دفاع کشور و نظام باید جان داد. همچنین درباره پدافند هوایی می گفتند پدافند هوایی یک بعدی نیست پدافند هوایی عمیق، چند بعدی و گسترده است. از مکانی که یک ماهی در دریا می پرد تا عمق آسمان ها باید پوشش پدافندی داشته باشیم که امروز در ایران رادارهای موازی افق داریم که تا هزاران کیلومتر در دوردست، لوج آسمان ها و اعماق را مشاهده می کنیم.

*** چه چیزی در وجودش بود که باعث می شد چنین فردی باشد؟** شهید ستاری یک مدیریت قلبی بین کارکنان نیروی هوایی داشت و مستقیم با کارکنان در ارتباط بود. به کارمندان روحیه بالا می داد

های مختلف همراه ایشان و شهید ستاری و دیگر بزرگان چون سرتیپ غلامی و امیر مرآتی بودم. سپس به عنوان فرمانده دفاع تعمیراتی پدافند انتخاب شدم. بعد هم به عنوان جانشین الکترونیک نیروی هوایی و سپس معاون الکترونیک نیروی هوایی انتخاب شدم.

آغاز آشنایی من هم این طور بود که من ستوان دوم بودم و در بوشهر خدمت می کردم. آن زمان مجله های کوچکی بود که نیروی هوایی منتشر می کرد. اکثر مقالات فردی را مطالعه می کردم که نویسنده شان م. ستاری بود. مقالاتی در مورد فناوری های روز دنیا در آن مجله چاپ می شد. این مقاله ها متعلق به شهید ستاری بود که درجه سروانی داشت. من ستوان دوم بودم که دفتر فرمانده هوایی به نام شهید مهریون من را خواستند. در آنجا با سروان ستاری آشنا شدم و گفتم من ترجمه های شما را می خوانم و علاقمندم. بعد از آن در زمان جنگ که روی اسکای گارد هاگ کار می کردم زمینه آشنایی با شهید ستاری بیشتر فراهم شد. در آن سال یعنی ۶۲ شهید ستاری معاون طرح و برنامه نیروی پدافند هوایی بود.

*** از کارهایی که شهید ستاری را منحصر به فرد ساخته بود چه چیزهایی به ذهنتان می رسد؟**

اول این را بگویم که شهید ستاری، فرمانده ای نابغه و سخنوری قهار بود. جالب این که نقاش هنرمندی هم بود. یاد هست، سخنرانی در دانشگاه تهران داشت که پس از اتمام حدود ده دقیقه حاضران ایستاده تشویقش کردند؛ این نشان از توانمند بودنش در هر حوزه ای بود. حتی رسانه های امریکایی درباره شهید ستاری تیرتی منتشر



گفتاری از هم‌مرز شهید فرمانده ذاتی

تیمسار فریدون علی مازندرانی

رییس وقت بنیاد شهید نه‌جا

گرفتند. خاطر هست که باید بال اف ۵ باید یک‌تکه و یک‌پارچه تراشیده می‌شد. آن موقع هیچ کشوری در دنیا به ما ماشین تراش نمی‌داد. اما اتفاقی که با وجود شهید ستاری افتاد این بود که طرف کمتر از ۱۵ روز این را درست کردند حداقل سه چهار روز من تا صبح با شهید ستاری بودم که چگونه درست کردیم. خراب کردیم درست کردیم تست های مختلف انجام می‌شدو بچه های فنی کارها را می‌کردند. تا این که اولین بار بال اف ۵ را تراشیدیم.

موبایل کردن سایت راداری هاگ یکی از کارهایی بود که شهید ستاری کلید ایده اولیه را به دلیل نیازهایی که کشور داشت زد. کارهایی که در کنار جمینگ و حقه های نظامی در حین کار، مانند سایت‌های پدافندی فریب و سیستم هایی که برای فریب دشمن در سایت های هاگ درست کردیم، چیزهایی بود که با راهنمایی‌ها و صحبت کردن با ستاری شدنی شد.

راهی که باید ادامه می‌یافت

وقتی فرماندهی برکنار، عزل یا شهید می‌شود حداکثر تا یک هفته جانشین او اعلام می‌شود. اما ۴۱ روز طول کشید. خیلی‌ها برای فرماندهی آماده بودند ولی این لباس پس از شهید ستاری لباس قالب تن هیچکدام نبود و متأسفانه فرماندهی به کسی منتقل شد که همه یافته های شهید ستاری را از هم پاشید. فکر ستاری جهادی در جهت رشد و توسعه کشور بود. این اواخر شهید ستاری ماشین شمس را ساخت. خیلی‌ها فراموش کردند اگرچه شمس کامل و بی‌نقص نبود و مشکلاتی داشت ولی دیدگاهی که نیروی هوایی را مستقل کند، کشور را به خودکفایی برساند، دیدگاهی منحصر به شهید ستاری بود. ما امکانات نداشتیم بودجه نداشتیم اما شهید ستار ایستاد و گفت ماشین را در نیرو بسازید. این دیدگاه باید ادامه می‌یافت اما نگاه در دوره‌های گوناگون و با توجه به ساختار نیرو، متفاوت بود و موجب این موضوع شد.

ستاری را به عنوان یک

پدافندی نمی‌شناختند به

عنوان کسی می‌شناختند که

دیدگاه باز و آگاهی بالایی دارد،

دوست دارد نوآوری داشته

باشد چه زمانی که در طرح بود

و چه زمانی که جانشین ستاد

پدافند کل کشور بود کارهای

جالبی کرد

فرمانده نیروی هوایی عمدتاً جزء خلبانان بوده و تقریباً یکی از دوران نادری است که فرماندهی نیرو، به یک غیرخلبان سپرده شد. همه خلبانان چه در بالای ستاد و چه در رده های فرماندهی در پایگاه، در همان موقع که ایشان فرمانده نیروی هوایی شد مثلاً در اف ۱۴ که عمده خلبانان قدیمی تر بودند درجه‌های بالایی داشتند. با این حال این را میتوانم بطور قاطع بگویم ست‌های پروازی همه یکدل و یکزبان این انتصاب را قبول داشتند. ستاری را به عنوان یک پدافندی نمی‌شناختند به عنوان کسی می‌شناختند که دیدگاه باز و آگاهی بالایی دارد، دوست دارد نوآوری داشته باشد چه زمانی که در طرح بود و چه زمانی که جانشین ستاد پدافند کل کشور بود کارهای جالبی کرد.

ستاری ساعت‌ها را چه در حال انجام کار، حین بازدید یا در دفترش می‌اندیشید و به چیزی می‌رسید و می‌گفت الان این کار را بکنید. خلبانان این موارد را در نظر می‌گرفتند و انتصاب ایشان برای فرمانده نیرو مورد قبول همه بود. من با کیس های مختلف خلبانان ارتباط داشتم، چه آن‌ها که خیلی مذهبی بود و چه آنکه خیلی‌ها به عنوان مذهبی قبول نداشتند. در آن زمان یکی از بهترین انتخاب‌ها بود.

زیر و رو کردن کارهای خودکفایی نیرو

وقتی شهید ستاری فرمانده نیروی هوایی شد اوج زیر و رو شد. کار مهم قطعه سازی و جمع‌آوری تجهیزاتی که در نیرو پراکنده بود را جزو کارهای مهم ستاری می‌دانم. بومی‌سازی «کوثر» که نمونه‌ای از جنگنده اف ۵ بود را از سال ۶۵ در اوج شروع کردیم. وقتی شهید ستاری به معاونت طرح آمد، اوج هم کار میکرد ولی به این صورت راه نیفتاده بود. ما قطعه سازی را بطور محدود شروع کرده بود امکانات ما کم بود این موضوع در همان سطح ادامه پیدا کرد من هم بنا به وظیفه کمک هایی کردم. نه لجستیک بودم نه گردان نگهداری بود امور ایثارگران بودم و خلبان رزمی بودم به دلیل آشنایی با شهید ستاری کارهایی را میکردیم.

طرح گرفتن نیرو از فوق‌دیپلمه‌های هنرستان، برنامه‌ریزی برای چگونگی رفتار با آن‌ها و آموزششان به طوری که در مدت کوتاهی تعدادی از جوانان مملکت چیزهای بهتری بیاموزند، از ضرورت‌ها در نگرش ستاری بود. افرادی که دو ماه آموزشی بودند، بعد از آن هفده هیجده ماه پاسداری می‌دادند و کارهای غیرضروری میکردند به‌طوری‌که بود و نبودشان برای نیرو فرقی نمی‌کرد، تخصص یاد

سابقه آشنایی من با شهید ستاری فرمانده فقید نیروی هوایی به اواسط سال ۱۳۶۰ زمانی که بعد از فرار بنی‌صدر و تغییر تحولات در نیروی هوایی، من در معاونت عملیات نیرو معاونت آموزش مد یکنواختی و هم در مدیریت ایثارگران نیروی هوایی مشغول به کار بودم برمی‌گردد. شهید ستاری در درجه سرگردی بودند و در مدیریت پدافند مدیریت آموزش بودند. ایشان از همان زمان با توجه به علاقمندی اش به حرفه اصلی خودش پدافند، روی سایت هاگ کار میکردند و تنها خلبان اف ۱۴ معاونت عملیات هم من بودم این بود که روزانه یکی دو ساعت با هم می‌نشستیم و از همان موقع ایشان به امکانات و محدودیت های رادار اف ۱۴ علاقمند بود و اینکه چکار کنیم محدودیت‌ها را به حداقل و امکانات را به حداکثر برسانیم. رفاقت و دوستی نزدیکی بین ما بود چون هر دو در یک مدیریت بودیم و روزی یکی دو ساعت که به عملیات می‌آمدم دائماً از طرف ایشان مورد سوال بودم که این چطور است، آن چطور است؟ این مد رادار چه میکند آن مد رادار چه می‌کند؟ این آشنایی و دوستی از نزدیک ادامه داشت تا اینکه به مرور زمان ایشان قبل از فرماندهی در معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی شدند.

«سجیل» آغاز هم‌راهی

سال ۱۳۶۵ که من خلبان تست و آزمایشات پروژه سجیل بودم که این پروژه تسهیل یا تغییر وضعیت موشک زمین به هوای هاگ برای استفاده در هواپیمای اف ۱۴ به صورت هوا به هوا، به دلیل مشکلاتی که با اف ۱۴ روی موشک فینکس برخورد کرده بودیم، بود. کار را جلو بردیم و یکی از کسانی که در آن زمان بدون اینکه درگیر قضیه باشد و مشکلاتی را که من با پدافند داشتم به راحتی حل می‌کرد شهید منصور ستاری در معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی بود. رفاقت‌ها و دوستی‌هایی که قبلاً شروع شده بود این‌جا برای من و همه ثمر خوبی داشت و مستحکم‌تر شد. بعد از جا به جایی فرمانده نیرو در سال ۶۵، شهید ستاری مسئولیت فرمانده نیرو را برعهده گرفتند و تا روزی که به شهادت رسیدند در خدمتشان بودم.

بهترین گزینه برای فرماندهی

به دلیل ارتباطی که از سال ۶۰ با هم داشتیم و شناختی که بچه های خلبان به ایشان پیدا کردند و اخلاق و رفتار و برخورد‌ها مواردی بود که وقتی کاندید فرمانده نیرو شد، استقبال خوبی صورت گرفت.



فروشگاه های شمس مطرح شدند. اگر شهید به فکر رفاه کارکنان بود و منازل مسکونی در اختیار نیروها قرار می داد. بیمارستان ۶۰۰ تختخوابه را راه اندازی کرد این کارها را استفاده از متخصصین انجام دادند.

* در آموزش و تربیت نیرو چه طور؟

ایشان در امور آموزشی هم بسیار حساس بودند سال ۶۰ بعد از فرار بنی صدر تعدادی از فرماندهان تغییر کردند. من سال ۶۰ فرمانده آموزش نیروی هوایی شدم، که در همین زمان طرحی بود به نام مدیریت تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی (مدیریت تبا) که شهید ستاری زمان فرماندهی من آمدند و گفتند چنین طرحی در این بخش وجود دارد؛ پیگیری کنیم تا به نتیجه برسد و اجرایی کنیم. در واقع این طرح برگزاری دوره های آموزشی بود که پیش از این باید به آمریکا سفر می کردند و این آموزش ها را می دیدند..

* شما چه نقشی داشتید؟

قرار شد که من امکانات آموزش هوایی ساختمان و امکانات در اختیار آنها بگذارم تا «مدیریت تبا» راه اندازی شود. قرار بود ذیل این برنامه توسط کسانی که پیش از این دوره های آموزشی را در آمریکا دیده بودند تعدادی کمیته تشکیل شود و مدک تایید شده داشتند. به من گفتند تا شما باشید این طرح اجرایی می شود ولی به دلیل عدم مصوب بودن طرح، با رفتن شما طرح هم تعطیل می شود من هم گفتم اگر محصول کار شما خوب باشد کسی جرات تعطیل کردن این طرح را نخواهد داشت. به این ترتیب مدیریت تبا را تشکیل دادیم. شهید ستاری که فرمانده نیروی هوایی شدند بسیار پیگیر این طرح شدند و سیستم آموزشی درجه داری را در آموزش هوایی تفریح داد و درجه دار را با مدرک تحصیلی زیر دیپلم استخدام می کردیم و یک سال آموزش هوایی به فرد ارائه می شد سپس در واحدهای مختلف آموزش های حین خدمت می دیدند و بعد به دیپلم مورد تایید آموزش و پرورش می رساندیم. ایجاد دانشگاه هوایی هم از ابتکارات دیگر شهید ستاری است و محصولات آن نیز بسیار خوب بود و کسانی که در رشته های مختلف فارغ التحصیل شدند توانستند خدمات مختلفی در این زمینه ارائه کنند.

* نقش شهید ستاری در بازسازی های بعد از دفاع مقدس چه بود؟

پس از جنگ ما دو حوزه بازسازی داشتیم، بازسازی تاسیسات و بازسازی تجهیزات. شهید ستاری به بازسازی تجهیزات از نظر بودجه و امکانات توجه ویژه ای داشتند و به صورت مرتب در شورای فرماندهان به فرماندهان پدافند هوایی تاکید داشتند. این تجهیزات شامل تجهیزات ضد هوایی، سیستم های موشکی، جنگ افزارها، توپ های ضد هوایی مختلف می شد. این تجهیزات بسیار فرسوده شده بودند و مشکلات زیادی داشتند به همین دلیل گروه های فنی زیادی را جمع کرده بودیم که سیستم ها را بازسازی می کردند. شهید ستاری نیز به صورت مرتب از این بازسازی ها بازدید می کردند و از ما آمار تعداد بازسازی ها را می خواستند. پروژه اوج به ابتکار و دستور مستقیم شهید ستاری اجرایی شد که به سیستم پروازی و ساخت بدنه هواپیما مرتبط می شد. کارگاه این پروژه در مهرآباد مستقر شده بود و بال و بدنه هواپیما می ساختند و از موتورهای هواپیماهایی که در انبارهای لجستیکی بود استفاده می کردند. شهید ستاری به این پروژه بسیار علاقه داشتند و از روند کار بازدید می کردند.

خلافت، مهم ترین بارزه شخصیتی ایشان بود و راهی را بسته یا غیر ممکن نمی دیدند. ما در پدافند هوایی هر ۶ ماه یکبار شورای فرماندهان پدافند هوایی برگزار می کردیم و این جلسات در شهرهای مختلف برگزار می شد. به خاطر دارم، چند روز پیش از این که جلسه شورا را برگزار کنیم، نزد شهید ستاری می رفتم و برای اختتامیه شورا از ایشان دعوت می کردم. فرمانده نیرو به گرمی استقبال می کردند و هرطور که بود، خود را به جمع فرماندهان می رساندند.

یکبار یکی از همین جلسه ها در پدافند هوایی جاسک برگزار شده بود. نزدیک نهار بود که همه فرماندهان حضور داشتند؛ اما خبری از شهید ستاری نبود. پرس و جو کردم، گفتند که تیمسار کنار در ورودی در حال رنگ زدن فنس ها هستند. رفتم دیدم کارمند نقاش با یک کوله پشتی پر از سنگ قدم می زند و شهید ستاری قلم مو به دست گرفته و در حال رنگ زدن هستند. شهید ستاری بسیار ناراحت بودند از اینکه نقاش، در حین رنگ زدن فنس ها اسراف کرده و رنگ را هدر می دهد به همین دلیل نقاش را توبیخ کرده و خود به جای او در حال رنگ کردن فنس ها بودند.

* درباره نقش شهید ستاری در پدافند هوایی بسیار گفته می شود. شما به عنوان فرمانده هوایی نقش ایشان را چه طور دیدید؟

نخستین عملیاتی که بنده به عنوان فرمانده پدافند هوایی در آن شرکت داشتم عملیات والفجر ۸ بود، در این عملیات با طرحی که شهید ستاری ارائه کردند تحت عنوان چابک سازی سیستم هاگ که این کار باعث حمل و نقل این سیستم ها و جابجایی راحت آنها می شد و شبی که حمله صورت می گرفت، سیستم ها با فاصله به جای دیگری منتقل می شد. چابک سازی سیستم هاگ از ابتکارات بسیار خوب شهید ستاری بود و اگر ۷۰ فرزند هواپیما در این عملیات ساقط شد مرهون همین ابتکارات بود. این طرح ها با مشاوره با متخصصین مختلف و بچه های عملیاتی و نگهداری ارائه می کرد.

در دوران جنگ، نیروی هوایی عراق اگر هواپیما یا تجهیزاتی را از دست می داد مدرن تر آن را می خرید یا اجاره می کرد و مرتب نیروی هوایی خود را تقویت می کرد در والفجر ۸ از نظر توان دفاعی، تجهیزات و نیروهای هوایی در شرایط نامناسبی بودیم و فقط ابتکارات و خلافت ها بود که این کمبودها را جبران می کرد. تعدادی از سیستم های رادار هاگ از بین رفته بود و قدرت ما بسیار محدود شده بود ولی با این قدرت محدود هم توانستیم در عملیات والفجر ۸ تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن را ساقط کنیم.

* مهم ترین روحیه و ویژگی بارز شهید ستاری از نظر شما که سال ها در کنار ایشان بودید چیست؟

یکی از ویژگی های برجسته شخصیت شهید ستاری این بود که به روحیه پرسنل خود اهمیت می داد و معتقد بود اگر به اوضاع روحی پرسنل رسیدگی شود، آنها نیز بیشتر و با نیروی مضاعف تری کار می کنند. می گفتند اگر نیرو از نظر امکانات رفاهی شرایط مناسبی داشته باشد در سیستم کارا تر خواهد بود. این موضوع به مدیریت و فرماندهی شهید ستاری برمی گردد. اگر فرماندهی به قلب پرسنل فرماندهی کند، شرایط کاری سیستم بهتر خواهد شد.

یکی از بهترین ابتکارات شهید ستاری، تاسیس فروشگاه های تعاونی نیرو هوایی بود، که بعد از شهادت ایشان به نام

قرار ملاقات ما دفتر نهجا بود. گفتن درباره شهید سرلشکر ستاری، گویی تازگی همان روزها را دارد. پدافند هوایی میعادگاه دو همزم و دو دوست بوده است. امیر سرتیپ سید محمود یمینی، از فرماندهان پیشکسوت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و کسی که در روزهای پر تلاطم دفاع مقدس، فرصت همراهی با امیر سرلشکر منصور ستاری فرمانده فقیه نیروی هوایی را داشته است. تیمسار یمینی در این گفت و گو بخشی از خاطره های پیش را باز گو می کند:

گفت و گو با

تیمسار محمود یمینی

فرمانده همه فن حریف



یکی از بهترین ابتکارات شهید

ستاری، تاسیس فروشگاه های

تعاونی نیرو هوایی بود. که

بعد از شهادت ایشان به نام

فروشگاه های شمس مطرح

شدند. اگر شهید به فکر رفاه

کارکنان بود و منازل مسکونی

در اختیار نیروها قرار می داد.

بیمارستان ۶۰۰ تختخوابه را راه

اندازی کرد این کارها را استفاده

از متخصصین انجام دادند.

* گفت و گویمان را با یک خاطره آغاز کنیم. در جایی به فکر خلاق شهید ستاری اشاره کرده بودید. خاطره ای در این باره در ذهن دارید؟

شهید ستاری مدیری لایق و انسانی شجاع بودند.



گفت و گو با تیمسار پردیس فرمانده
اسبق نیروی هوای ارتش

فرمانده به روایت فرمانده

سال‌ها پس از دفاع مقدس و پیش از آن، تیمسار خلبان سید رضا پردیس حضوری مهم و کلیدی در نیروی هوایی کشور ایفا کرده است. این خلبان تیزپرواز سال‌های دفاع مقدس، در کسوت فرماندهی نیروی هوایی ارتش نیز حضور داشته است و حالا پس از سال‌ها تجربه در نیروی هوایی، با توجه به توانمندی‌ها و شایستگی‌هایی که داشت مقام مشاور نظامی فرماندهی کل قوا را عهده دارد. حرف‌های خواندنی او از روزهای دفاع مقدس و نقش آفرینی کلیدی شهید سرلشکر منصور ستاری به عنوان یک مدیر راهبردی و کارآمد را در این گفت‌وگو می‌خوانیم.

*** درباره نخستین آشنایی‌تان با شهید ستاری بفرمایید.**

این مرد دوست‌داشتنی را اولین بار از نوشته‌های ایشان شناختم و نام ایشان را اولین بار در مجله نیروی هوایی دیدم؛ ستوان ستاری، مقالات و نوشته‌های علمی، فنی و تخصصی را از زبان انگلیسی برگردان می‌کرد و تسلط کاملی به زبان انگلیسی داشت. این مقاله‌ها به طور مرتب در مجله نیروی هوایی منتشر می‌شد و از همین چا دانستم چنین فردی که این مقاله‌ها را ترجمه می‌کند، قطعاً توانایی و تسلط بالایی هم در بعد فنی و هم در زبان انگلیسی دارد. اما ملاقات چهره‌به‌چهره بنده و شهید ستاری، در یک حادثه و کاملاً اتفاقی رخ داد. من به طور اتفاقی، ایشان را در منطقه عملیاتی سومار، واقع در غرب کشور و در دره ای که به نام دره شیطان معروف بود در منطقه چل زری ملاقات کردم.

*** شما و شهید ستاری برای چه کاری در سومار حضور داشتید؟**

من از سوی شهید بابایی به عنوان نماینده عملیات در این منطقه حضور پیدا کرده بودم زیرا قرار بود که در منطقه سومار عملیاتی رخ بدهد و رفته بودم تا قسمت‌های پدافندی و عملیاتی نیروی هوایی را که می‌بایست در این عملیات پشتیبان جنگ باشند سرکشی و ساماندهی کنم. تیمسار پردیس، با بیان این که شهید ستاری قبل از اینکه فرمانده نیروی هوایی باشد در معاونت عملیات پدافند فعال بود و به طور کامل از مسائل پدافندی آگاهی داشت، می‌گوید: اطلاع داده شد که شهید بابایی حضور نمی‌یابند و به جای ایشان شهید ستاری به قرارگاه خواهند آمد. این جا بود که نخستین دیدار من و شهید ستاری اتفاق افتاد. همه فرماندهان در قرارگاه نشستیم و منتظر بودیم که فردی با موهای سفید، یک چهره بسیار دوست‌داشتنی و صدای بسیار آرام که من را مجنون خود کرد وارد شد.

*** کدام ویژگی شهید ستاری، توجه شما را به خود جلب کرد؟**

قاطعیت، آرامش توأم با دانش و توانایی‌هایی خاص از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید ستاری است که در این فرمانده والا مقام برجسته و پرننگ بود. مثلاً در رابطه با همین جلسه، شهید ستاری با دانش و توانایی‌هایی که بعداً متوجه بسیاری از آنها شدم این جلسه را هدایت کرد. اشکالاتی را که دیده بود از



به فرماندهی ایشان داده بود. گویا برای انتخاب فرمانده جدید نیروی هوایی، نظر تعدادی از خبرگان این زمینه از جمله شهید بابایی را جویا می‌شوند و ایشان گفته بود کسی بهتر از شهید ستاری برای فرماندهی نیروی هوایی نیست.

*** شما خود تجربه فرماندهی نیروی هوایی را دارید؛ نگاه او به عنوان یک فرمانده در کارهای فرماندهی را چگونه دیدید؟**

شهید ستاری یک مدیر استراتژیک بود، روزها در سطح مدیریت‌ها مشاهده می‌کنید که یک مسئول در رأس یک تشکیلات مهم قرار دارد که حتی یکی مدیر تاکتیکی هم نمی‌تواند باشد، اما در قامت یک مدیر استراتژیک کار می‌کند. شهید ستاری واقعا یک مدیر از این جنس بود. شهید ستاری معتقد بود فرماندهی که وارد یک مجموعه می‌شود، در گام نخست باید خود و توانمندی‌هایش را با آن سازمان هماهنگ کند. بدین معنا که وضع موجود را به روشنی بشناسد. شناختن وضع موجود، هنری بود که شهید ستاری به خوبی کسب کرده بود. ضمن آگاهی بسیار خوبی که نسبت به وضعیت و جایگاه نیروی هوایی و نیز جایگاه و توانمندی‌های خودش داشت، در جهت مطلوب کردن وضع، اقدامات استراتژیکی را انجام داد.

*** می‌توانید از این ویژگی‌ها در اقداماتشان موردی ذکر کنید؟**

مثلاً قرار شد با بررسی وضع موجود و امکانات در دسترس، نیروی هوایی از بعد تجهیزات و عملیاتی به روز رسانی شده و ارتقا یابد. برای این کار باید به مهم‌ترین مقوله یعنی آموزش و تربیت نیروی انسانی جان تازه‌ای ببخشید. نخستین و مهم‌ترین گام شهید ستاری برای تحقق این کار راه‌اندازی دانشگاه هوایی بود. ایشان با ایجاد این دانشگاه با گرایش‌های گوناگون علمی و تخصصی در قالب دانشکده‌های مختلف مانند دانشکده خلبانی در سال ۶۶ فرصت را برای آموزش‌ها و تخصص‌های لازم با توجه به پیشرفت روزافزون علم و آگاهی‌اش نسبت به سرعت تغییرات در این عرصه فراهم کرد. تا پیش از این، دانشجویان را برای فراگیری دوره‌های خلبانی به خارج از کشور می‌فرستادیم و چیزی حدود ۳ تا ۵ میلیون دلار برای هر دانشجو هزینه می‌شد تا یک دانشجو، خلبان شود و ایشان این کار را بومی کرد چراکه معتقد بود بهترین دانشگاه ماه میدان جنگ بوده است و خلبانان ما در میدان جنگ آموزش دیده‌اند و وضعیت را شناخته‌اند و با اوضاع منطقه آشنا هستند؛ بنابراین، باید همین افراد خلبانان آینده ما را تربیت کنند. در سال‌هایی که این شهید بزرگوار در بخش‌های مختلف نیروی هوایی، از پدافند هوایی گرفته، طرح و برنامه نیروی هوایی تا پس از آن در مقام فرماندهی این نیرو مشغول فعالیت بودند، با ایشان در تماس نزدیک بودم و ایشان را جزو پدیده‌های منحصر بفرد و ماندگار در این کشور می‌دانم.

یکی دیگر از ویژگی‌های خاص

شهید ستاری پیگیری‌های

مستمرش بود. ایشان

در دستوری که می‌داد یا کاری

که می‌خواست انجام دهد،

بسیار پیگیر بود. بسیاری

از فرماندهان دستورات

را می‌دهند، اما در این که

دستور به عمل منجر شود

جمله در بخش محل استقرار سایت‌های پدافندی به خصوص هاگ و دیگر اشکالاتی را که در منطقه وجود داشت، مطرح و همه نکات را به طور دقیق یادداشت‌برداری میکرد. شهید ستاری به ویژه در مسائل ارتباطی که باید در منطقه پیاده میشد تا بشود سایت‌های پدافندی هاگ را بهترین نقاط مستقر شود توجه و از آن جایی که یک متخصص پدافندی بود، به این موضوعات تسلطی ویژه داشت. یکی دیگر از ویژگی‌های خاص شهید ستاری پیگیری‌های مستمرش بود. ایشان در دستوری که می‌داد یا کاری که می‌خواست انجام دهد، بسیار پیگیر بود. بسیاری از فرماندهان دستورات را می‌دهند، اما در این که دستور به عمل منجر شود.

*** شما هم با شهید ستاری و هم با شهید بابایی ارتباطی نزدیک داشتید؛ ارتباط این دو فرمانده چگونه بود؟**

در سال ۱۳۶۴ جانشین پایگاه شهید نوزه شدم. در ۶۵ قبل از فرماندهی شهید ستاری من فرمانده پایگاه شهید نوزه بودم. امیر ستاری هم اگر اشتباه نکنم در بهمن ماه ۶۵ بود که فرمانده این پایگاه شدند. شهید ستاری و شهید بابایی دو مهره جدانشدنی از هم بودند. در بخش پدافندی شهید ستاری و در بخش عملیات شهید بابایی فعالیت می‌کرد. این دو مزوج یکدیگر بودند و کارشان مکمل کار دیگری بود. شهید بابایی انسانی شریف، بدون تظاهر و ربا بود و این افراد به خوبی همدیگر را می‌شناختند و شناخت کافی نسبت به یکدیگر داشتند.

وقتی شهید ستاری فرمانده نیروی هوایی شد، تصور همه ما این بود که شهید بابایی فرمانده نیروی هوایی می‌شود اما متوجه شدیم یکی از کسانی که به شدت دنبال این بود که شهید ستاری فرمانده نیروی هوایی شود، خود شهید بابایی بود. در واقع، شهید بابایی به شدت به توانمندی‌های شهید ستاری باور داشت و رأی



«منطقه» از دستاوردهای شهید ستاری می گوید

پایه گذار صنعت هوایی نظامی

در صنعت هوایی کشور در طول دوران دفاع مقدس، پیش و پس از آن در روزهای پرتلاطم، افراد زیادی نقش آفرینی کردند. دکتر منوچهر منطقی که نامش با صنعت هوایی و هواپوردهای کشور گره خورده است و این صنعت بزرگ و حیاتی کشور با وجود وی دست خوش تغییرات و اتفاقات بزرگی شده، یکی از همین هاست. حال این میراث به جا مانده از جنگ که چند سالی است در ستاد توسعه فناوری های فضایی و حمل و نقل پیشرفته معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری فعالیت می کند، از شهید سرلشگر منصور ستاری فرمانده سازنده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران می داند. منطقی در این گفت و گو از نقش و تأثیر شهید منصور ستاری در صنعت هوایی نظامی کشور می گوید:

*** آقای دکتر! نقش شهید ستاری در شکل دهی به صنعت طراحی و ساخت هواپیما چه بود؟**



صنعت هوایی کشور مردان بزرگ و از جان گذشته ای را به خود دیده است که با دستان خالی؛ اما ایده های نو و خلاق توانستند آن را زنده و پویا نگه دارند و از پس تحریم های ظالمانه بر بیایند. بزرگانی چون شهیدان ستاری، بابایی، کنوری و... که بدون چشم داشتی؛ حیات این صنعت را هدف و اولی خود قرار دادند و در

این راه از بزرگترین سرمایه وجود خود؛ گذشتند. اما این میراث عظیم در کشور با رفتن شهیدان ابر نماند و دغدغه نماند دیگری مدیریت صنعت هوایی و هواپوردهای کشور را به دست گرفتند و نگذاشتند ایران وامدار دیگر کشورها برای نیازهای خود شود. شهید ستاری به

خوبی به توان علمی و تحقیقاتی نهجا و دانشگاه های کشور آگاه بود. به جرات می توان گفت که منصور ستاری در ارتش پایه گذار تحقیقات روی محصولات فناوری پیشرفته بود. در حوزه های سیستم های پدافند، صنعت هوایی و سیستم سلاح، اقدامات قابل توجهی داشت که من سعی می کنم بیشتر بر روی خدمات شهید در بخش صنعت طراحی و ساخت هواپیما تمرکز کنم. در حوزه صنعت هوایی در ابتدا، چند پروژه مهندسی معکوس و طراحی هواپیمای آموزشی زیر نظر شهید ستاری انجام شد. این پروژه ها اگر چه به ظاهر موفق نبود ولی باعث ایجاد جرات طراحی و ساخت هواپیما در بین متخصصان نهجا و جامعه دانشگاهی شد. مهندسی معکوس به همراه طراحی مجدد هواپیمای F5 پروژه بعدی ایشان پس از تعریف و اجرای پروژه هواپیماهای آموزشی بود.

*** دیدگاه شهید ستاری در انتخاب پروژه ها در صنعت هوایی چه بود؟**

ایشان در انتخاب پروژه ها ویژگی های مختلفی را مدنظر داشتند، از جمله اینکه این پروژه ها بیشتر عملکرد را در آموزش و پشتیبانی هوایی داشته باشد، معمولاً این پروژه ها سیستم های پدافند، اما مطابق با با قابلیت های فناوریانه کشور طراحی می شدند شهیدی اعتقاد داشت که باید از تمام منابع در دسترس ملی و بین المللی به خوبی استفاده شود. شهید ستاری در مهندسی معکوس و طراحی مجدد هواپیمای F5 مراحل مختلفی چون طراحی و ساخت اجزای بنده در نهجا، سرمایه گذاری و ساخت قطعات موتور هواپیما در نهجا و صنایع هوایی و طراحی و ساخت اوپونیک هواپیما با استفاده از همکاری بین المللی در دسترس به همراه ارتقای نسل اوپونیک هواپیما را طی کرد.

*** آیا می توان شهید منصور ستاری را الگویی در صنعت هوایی کشور دانست؟**

بله. تأثیر اقدامات ستاری پس از به شهادت رسیدن ایشان نیز در صنعت هوایی کاملاً مشهود بود و هست. به طور مثال اگر چه پروژه مهندسی معکوس و طراحی مجدد هواپیمای F5 در زمان حیات ایشان به صورت کامل پیاده سازی نشد ولی با سپردن این پروژه به همتا تمام فایزهای مهندسی معکوس و طراحی مجدد هواپیمای کامل در قالب پروژه کوثر ۱ در نیمه اول سال ۹۷ رونمایی شد که این پروژه همان طرح نیمه تمام شهید بود.

*** و کلام آخر...**

به عنوان کلام آخر می توانم بگویم که شهید ستاری را می توان پایه گذار صنعت هوایی در بخش نظامی دانست. در صورت ادامه حیات ایشان، سرعت انجام پروژه کوثر ۱ و نیز تسری فناوری این محصول به دیگر نیازهای بخش صنعت هوایی مانند هواپیمای آموزشی، نسل های جدید هواپیماهای نظامی بسیار پررنگ تر و صنعت هوایی کشور در جایگاه بالاتری نسبت به وضع کنونی قرار داشت.

دیدار ماندگار

محمدحسین صادقی زاده

مسئول دفتر قرارگاه رعد

سال ۱۳۵۴ یک جوان ۲۲ ساله بودم که وارد نیروی هوایی شدم پس از انقلاب و سال ۵۸ در جهاد سازندگی پایگاه با شهید بابایی آشنا شدم.

من سال ۶۴ در لشکر ۱۴ یگان دریایی ویژه امام حسین (علیه السلام) بودم. شهید بابایی احضار کردند و گفتند باید با هم به جزیره خارک برویم. این منطقه به لحاظ ترابری دچار مشکل بود. رفیقیم بارقه های نخستین شکل گیری قرارگاه رعد پدافند هوایی از همین جا جدی تر شد. دیال تجهیزات برای ساخت سوله و سنگرهای مورد نیاز قرارگاه رعد در همین شرایط بود که عملیات والفجر ۸ آغاز شد. در این زمان بود که برای اولین بار سرهنگ ستاری را با لباس کار در شادگان دیدم. آرام بود. جدی بود اما متین. با عبارت «باباجان» نیروها را صدا می زد و با همین یک کلمه دل همه را برده بود. نخستین دیدارمان آن جا شکل گرفت. فردا شب آن دیدار، شهید ستاری مرا به بندر امام احضار کردند. وقتی رسیدم به من گفتند که بروم بهمین شیر جایی که که هاگ ها مستقر هستند و به من فرمودند سایت های هاگ ها را به آن سوی آب منتقل کنید. این کار را به کمک دوستان مستقر در آن منطقه انجام دادیم. شاید نخستین کاری بود که با دستور شهید ستاری به بنده انجام شد.

پس از آن به دستور شهید بابایی رعد پایگاه هوایی امیدیه. یک دفتر تشکیل دادیم و بنده به عنوان مسئول دفتر کارم را آغاز کردم. دفتر هماهنگی های قرارگاه رعد، بهانه خوبی بود تا با شهید ستاری بیشتر آشنا شوم. محبت شهید ستاری همواره نصیب می شد و علیرغم میل باطنی بسیاری، شهید ستاری علاقه داشتند که من

از جنگ. دل توی دلم نبود تا ستاری را ببینم و خواسته ام را مطرح کنم. می خواستم از شهید ستاری خواهش کنم مرا از اصفهان به جای دیگری منتقل کند. انتظار داشتم نپذیرد، تحکم کند یا لاقبل یا همان لحن مهربانش بگوید باشد برای وقتی دیگر. دستم را خوانده بود. می دانست چه می خواهم. ستاری گفت: چرا تهران نمی آیی برای کمک به ما؟ ما کار زیادی داریم. چه بهتر از این می خواستیم؟ وقتی آمد تهران ستاری هوشمندانه انتخاب را به عهده خود گذاشت. گفت یک جایی را برای خودت پیدا کن و مشغول شو. بخش لجستیکی با پشتیبانی شهید ستاری مشغول به کار شدم. این آزادی

در آنجا حضور داشته باشم. کار قرارگاه خوب پیش می رفت و به همین دلیل، برخی افراد که در این کار سهمی نداشتند، با شهید بابایی و شهید ستاری به مشکل برخوردند. می خواستند کار را وارونه جلوه دهند. بهانه گیری می کردند، سنگ جلوی ما می انداختند. ستاری را که می دیدم اما خم به ابرو نمی آورد.

نیروی هوایی و پدافند از هم جدا شدند و کارشکنی ها آغاز شد. در همین شرایط فرمانده نیروی هوایی بیمار شد و رفت و ما منتظر بودیم ببینیم چه کسی فرمانده می شود ابتدا حکم شهید بابایی را زدند اما شهید نپذیرفت و بعد اخبار اعلام کرد که شهید ستاری به



عمل و انتخاب را به نیرو می داد.

مواردی که پیشنهاداتی به شهید ستاری ارائه می شد و ایشان می پذیرفتند کم نبود. مثلاً وقتی سرباز به شهید ستاری گفت ما می توانیم ماشین بسازیم، شهید به این حرف اطمینان کرد.

عنوان فرمانده نیروی هوایی ارتش انتخاب شده است. بابایی دنبال این موضوع بود که هم ارتش لطمه نخورد و هم بازسازی شود و برای این کار چه معمار و مهندسی بهتر از ستاری! قرار بر این بود بابایی رییس ستاد و ستاری شود فرمانده. سال ۶۸ بود و پس